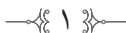


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



ترجمہ:

آسادی شیخ حسین انصاری



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ، بَدَأَ

دعای امام سجاد علیه السلام چون به دعا برمی‌خواست بدین صورت به

بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَالشَّنَاءِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

سپاس و حمد خداوند عزوجل ابتداء می‌کرد و می‌گفت:

﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلاِ أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ

(۱) سپاس مخصوص خداست. آن وجود مبارکی که اول است، بی آن که

بِلاِ آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ، الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَتِهِ

اولی پیش از او باشد و آخر است، بی آن که آخری پس از او باشد.

أَبْصَارُ التَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ

دیده بینندگان از دیدنش ناتوان، و گمان وصف کنندگان از ستودنش

الْوَاصِفِينَ.

عاجز است.

﴿٢﴾ ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَاخْتَرَعَهُمْ

(۲) موجودات را به قدرتش آفرید؛ آفریدنی خوش‌نما و مخلوقات را به

عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا، ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ

اراده‌اش ساخت، ساختنی زیبا. آن‌گاه، تمام آنها را در مسیر خواسته خود

إِرَادَتِهِ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ

راهی نمود و در راه محبتش برانگیخت. قدرت پس رفتن، به جانب مرزهای



تَأْخِرًا (تَأْخِرًا) عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

که آنان را از آنها پیش انداخت ندارند و توان پیش رفتن به سوی حدودی که

تَقَدَّمًا إِلَى مَا آخَرَهُمْ عَنْهُ، ﴿۳﴾ وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ

آنان را از آنها پس انداخت ندارند. (۳) از رزق و روزیش، برای هر یک

مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ

از جان داران، خوراک معلوم و قسمت شده قرار داد. سهم کسی را که فراوان داده،

مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ؛

احدی نمی‌تواند بکاهد و نصیب کسی از آنان را که کاسته، هیچ کس نمی‌تواند

﴿۴﴾ ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَنَصَبَ

ببفزاید. (۴) آنگاه زندگی او را زمانی

لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا، يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ،

محدود قرار داد که به سوی آن پایان، با ایام عمرش قدم برمی‌دارد و با

وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامٍ دَهْرِهِ، حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَقْصَىٰ

سالهای زندگی، به آن نزدیک می‌شود، تا هنگامی که به دورترین باقی

أَثَرِهِ، وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبَضَهُ إِلَىٰ مَا

مانده پایان زندگی برسد و پیمانه حساب عمرش را تمام و کامل دریافت

نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ،

کند. او را به سوی آنچه از پاداش بسیار، یا عذاب دردناک فرا خوانده ببرد،

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ

تا به خاطر عدالتش، بدکاران را به علت کردار ناپسندشان و نیکوکاران



أَحْسِنُوا بِالْحُسْنَى»، عَدْلًا مِنْهُ؛ ﴿٥﴾ تَقَدَّسَتْ

را به سبب کار نیکشان جزا دهد. (٥) پاک و مبارک است نام‌های

أَسْمَاؤُهُ، وَتَظَاهَرَتْ أَلَاؤُهُ؛ «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ

حضرتش و پی در پی است نعمت‌هایش. از آنچه انجام می‌دهد، بازخواست

وَهُمْ يُسْأَلُونَ».

نشود، ولی همگان در پیشگاهش بازخواست شوند.

﴿٦﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنِ عِبَادِهِ

(٦) سپاس مخصوص خداست که اگر بندگانش را از شناخت سپاس‌گزاریش بر آنچه

مَعْرِفَةً حَمَدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِّنْهُ الْمُتَتَابِعَةَ،

که از عطایای پیاپی که محض امتحان‌کردنشان به آنان عنایت فرمود و نعمت‌های

وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَظَاهِرَةَ، لَتَصَرَّفُوا

پیوسته‌ای که بر آنان کامل‌کرد به چاه محرومیت می‌انداخت، در عطایا و نعمت‌هایش، دخل

فِي مِّنْهُ، فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ

و تصرف می‌کردند و او را سپاس نمی‌گزاردند و روزیش را به فراوانی خرج می‌کردند و به

فَلَمْ يَشْكُرُوهُ، ﴿٧﴾ وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ، لَخَرَجُوا مِنْ

شکر عنایاتش برغی‌خاستند. (٧) اگر چنین بودند، از حدود انسانیت بیرون

حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا

می‌رفتند و به مرز حیوانیت می‌رسیدند. در نتیجه به این صورت بودند که

وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ، بَلْ

در کتاب محکم‌ش وصف کرده: «آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه



هُمَ أَضَلُّ سَبِيلًا».

آنان گمراه‌ترند!».

﴿٨﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ ،

(٨) و سپاس مخصوص خداست که وجودش را به ما شناساند و

وَالْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ

شکرش را به ما الهام فرمود و درهای دانش را به پروردگارش

بُرَّبُوبِيَّتِهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي

به روی ما گشود و ما را بر اخلاص ورزی در یکتایش راهنمایی

تَوْحِيدِهِ، وَجَتَّبْنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ؛

کرد و از انحراف در دین و تردید در دستورش، دور داشت.

﴿٩﴾ حَمْدًا نَعْمَرُّ بِهِ فِي مَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ،

(٩) خدا را سپاس می‌گزارم، سپاسی که با آن، در گروه سپاس‌گزاران از بندگانش زندگی کنم

وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَىٰ رِضَاهُ وَعَفْوِهِ؛ ﴿١٠﴾

و با آن سپاس بر هر که به خشنودی و گناه بخشی‌اش پیشی‌جسته، سبقت بگیرم. (١٠)

حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ، وَيُسَهِّلُ

سپاسی که به سبب آن، تاریکی‌های برزخ را بر ما روشن کند و به وسیله

عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَيُشْرِفُ بِهِ مَنَازِلَنَا

آن، راه رستخیز را بر ما آسان فرماید و به کمک آن، رتبه‌های ما را نزد گواهان

عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، «يَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ

روز قیامت بلند گرداند. «روزی که هر وجودی، به خاطر آنچه مرتکب شده،



بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»، «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى

پاداش داده شود و مورد ستم قرار نگیرد»؛ «روزی که هیچ دوستی، چیزی از عذاب را از

عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»؛ ﴿۱۱﴾ حَمْدًا

دوستش دفع نکند و این گنهکاران حرفه‌ای از جانب کسی یاری نشوند»؛ (۱۱) سپاسی

يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَىٰ أَعْلَىٰ عَلِّيَيْنِ، «فِي كِتَابِ مَرْقُومٍ،

که از جانب ما، در پرونده‌ای که کردار نیکان در آن رقم خورده و مقربان درگاهش

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ»؛ ﴿۱۲﴾ حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عِيُونُنَا

گواهان آنند، به سوی اعلا علیین بالا رود، (۱۲) سپاسی که چون دیده‌ها در قیامت

إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ، وَتَبَيَّضُ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا

خیره شود، سبب روشنی دیده ما شود و هنگامی که چهره‌ها سیاه گردد، به نورانیت

اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ؛ ﴿۱۳﴾ حَمْدًا نَعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ

آن صورت‌های ما به سپیدی رسد. (۱۳) سپاسی که ما را از آتش دردناک

نَارِ اللَّهِ، إِلَىٰ كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ؛ ﴿۱۴﴾ حَمْدًا نَزَاحِمُ

خدا آزاد و در جوار کریمانه‌اش جای دهد. (۱۴) سپاسی که به وسیله آن،

بِهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَنُضَامٌ بِهِ أَنْبِيَاءُهُ

همدوش فرشتگان شویم و در پیشگاه رحمتش جای را بر آنان تنگ کنیم و به

الْمُرْسَلِينَ، فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ، وَمَحَلِّ

سبب آن، در سرای جاودانی که از بین نمی‌رود و محل کرامتش که دگرگونی نمی‌پذیرد

كِرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ.

با پیامبران مرسل همراه شویم.



﴿۱۵﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ،

(۱۵) و سپاس مخصوص خداست که زیبایی‌های آفرینش را برای ما برگزید

وَأَجْرِي عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ ، وَجَعَلَ

و روزی‌های پاکیزه را به سوی ما روان ساخت. و ما را با تسلط بر همه

لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ ،

موجودات برتری داد. در نتیجه، همه موجوداتش بر اساس قدرت حضرتش

فَكُلُّ خَلْقِيَّتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ ، وَصَائِرَةٌ إِلَى

فرمانبردار ما هستند و در سایه عزت‌ش، در گردونه اطاعت از ما قرار

طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ.

دارند.

﴿۱۶﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ

(۱۶) و سپاس مخصوص خداست که در احتیاج و نیاز ما را از غیر

إِلَّا إِلَيْهِ ، فَكَيْفَ نُطِيقُ حَمْدَهُ؟! أَمْ مَتَى

خود بست؛ پس چگونه قدرت سپاس‌گزاری او را داریم؟ یا چه زمانی

نُؤَدِّي شُكْرَهُ؟! لَمْ مَتَى؟! ﴿۱۷﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

می‌توانیم به ادای شکرش اقدام کنیم؟ هیچ‌گاه! (۱۷) و سپاس مخصوص خداست

الَّذِي رَكَّبَ فِينَا آلَاتِ الْبَسْطِ ، وَجَعَلَ لَنَا

که در پیکر ما ابزار گشودن اندام را سوار کرد و آلات بستن آنها را قرار داد و

أَدْوَاتِ الْقَبْضِ ، وَمَتَّعَنَا بِرُوحِ الْحَيَاةِ ، وَأَثَبَتْ

ما را با روان‌های زنده، از زندگی بهره‌مند ساخت و اعضای انجام دادن کار



فِي نَاجِوَارِحِ الْأَعْمَالِ، وَغَدَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ،

را در وجود ما استوار کرد و با روزی‌های پاکیزه خوراک داد و با احسانش

وَ أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْنَانَا بِمَنِّهِ؛ ﴿١٨﴾ ثُمَّ أَمَرْنَا

ما را بی‌نیاز کرد و با عطایش به ما سرمایه بخشید، (۱۸) آنگاه دستورهایش را

لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا، وَ نَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا،

متوجه ما فرمود تا فرمان بردن ما را بسنجد و از محرمات بر حذرمان داشت تا شکر کردنمان

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَ رَكِبْنَا مُتُونِ زَجْرِهِ،

را بی‌ایمانی، پس از این همه عنایت، از مسیر دستورش روی گردانیدیم و بر مرکب سخت و

فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَ لَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ

سنگین محرماتش سوار شدیم. با این همه، به کیفرش نسبت به ما شتاب نوریذ و بر انتقام

تَأَانَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا، وَ انْتَضَرُّ مُرَاجِعَتَنَا

گرفتن از ما عجله نکرد؛ بلکه به رحمت و کرمش از سر خشنودی و رضایت با ما معامله کرد و به

بِرَأْفَتِهِ حَلَمًا.

مهربانی و بردباریش، بازگشت ما را از مسیر گناه انتظار کشید.

﴿١٩﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ، الَّتِي

(۱۹) و سپاس مخصوص خداست که ما را به بازگشت و توبه از گناه، راهنمایی کرد؛ توبه‌ای که آن

لَمْ نَفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْلَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ

را جز از طریق احسانش به دست نیاوردیم و اگر از فضل و احسان بی‌شمارش، غیر این عنایت را که

الْآبِهَاءِ، لَقَدْ حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَ جَلَّ

عبارت از بخشیدن نعمت توبه و بازگشت است، به حساب نیاوریم، محققاً آزمایشش درباره ما نیکو





اِحْسَانُهُ الْاِيْنَآ، وَجَسْمَ فَضْلِهِ عَلَيْنَا، فَمَا هُنَّكَ

واحسانش در حق ما بزرگ و بخشش او بر ما عظیم است. روش وجود مقدسش در برنامه توبه در باره

كَانَتْ سُنَّتَهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا؛ (۲۰) لَقَدْ

کسانی که پیش از ما بودند، چنین نبود: (۲۰) آنچه را در عرصه گاه توبه، در طاقت و توان ما نبوده،

وَضَعْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ لَمْ يُكَلِّفْنَا

از دوش جان ما برداشته و جز به اندازه قدرت و وسعمان به ما تکلیف نفرموده، در میان آن همه

اِلَّا وُسْعًا، وَ لَمْ يُجَسِّمْنَا اِلَّا يُسْرًا، وَ لَمْ يَدْعِ

تکالیف سخت، ما را جز به تکالیف آسان و انداشته و در این زمینه، برای هیچ یک از ما دلیل و بهانه‌ای

لَا حَدِّ مِمَّا حُجِّجَتْ وَلَا عُذْرًا، فَالْهَالِكُ مِمَّا مَنَ

باقی نگذاشته است؛ بنابراین هلاک شونده از ما، کسی است که در میدان مخالفت با او هلاک گردد

هَلَكَ عَلَيْهِ، وَ السَّعِيدُ مِمَّا مَنَ رَغِبَ اِلَيْهِ.

و سعادتمند از ما کسی است که به سوی او میل و رغبت نماید.

(۲۱) وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بِكُلِّ مَا حَمَدَهُ بِهِ اَدْنٰى

(۲۱) و خدا را سپاس، به همه آن سپاسی که نزدیک‌ترین فرشتگان

مَلَائِكَتِهِ اِلَيْهِ، وَ اَكْرَمُ خَلْقَتِهِ عَلَيْهِ، وَ اَرْضٰى

به او و بزرگواریترین مخلوقاتش نزد او و پسندیده‌ترین ستایش‌گران

حَامِدِيهِ لَدَيْهِ؛ (۲۲) حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ،

آستان او، حضرتش را ستوده‌اند؛ (۲۲) سپاسی که از دیگر سپاس‌ها،

كَفْضُلِ رَبِّنَا عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِهِ، ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ

برتری جوید، مانند برتری پروردگار به همه مخلوقات. سپس او را



مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَّهُ عَلَيْنَا، وَعَلَىٰ جَمِيعِ عِبَادِهِ

سپاس، به جای تمام نعمت‌هایی که او بر ما و به تمام

الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ، عَدَدًا مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ

گذشته‌اش و همه آنانی که هستند و می‌آیند دارد، سپاسی به عدد

مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ

تمام‌اشیایی که دانشش بر آنها احاطه دارد و سپاسی به جای هر یک از اشیا

مِنْهَا عَدَدًا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً، أَبَدًا سَرْمَدًا

به چندین برابر؛ سپاسی ابدی و همیشگی

إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ ﴿٢٣﴾ حَمْدًا لَا مُنْتَهَىٰ لِحَدِّهِ،

تا روز قیامت، (۲۳) سپاسی که مرزش را پایانی

وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَلَا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ،

و شماره آن را حسابی و پایانش را نهایی

وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ؛ ﴿٢٤﴾ حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَةً إِلَىٰ

و مدت‌ش را سرآمدی نباشد. (۲۴) سپاسی که رشته اتصال

طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ، وَ سَبَبًا إِلَىٰ رِضْوَانِهِ، وَ ذَرِيعَةً

به طاعت و بخشش و عامل رضایت و خشنودیش و وسیله

إِلَىٰ مَغْفِرَتِهِ، وَ طَرِيقًا إِلَىٰ جَنَّتِهِ، وَ خَفِيرًا

آمرزشش و راهی به سوی بهشتش و حفاظت کننده

مِنْ نَقْمَتِهِ، وَ أَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ، وَ ظَهِيرًا عَلَىٰ

از کيفرش و امان از خشمش و مددکاری بر



طَاعَتِهِ، وَ حَاجِزًا عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَ عَوْنًا

طاعتش و مانع و سدی از نافرمانیش و کمکی

عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَ وَظَائِفِهِ؛ ﴿٢٥﴾ حَمْدًا نَسَعُدُ

بر ادای حق و عهد و پیماناش باشد. (۲۵) سپاسی که به وسیله آن، در گروه

بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرُهُ فِي نَظْمِ

سعادتمندان از دوستانش، به خوشبختی و سعادت برسیم، و به سبب آن با شمشیر

الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ؛ إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ.

دشمنانش در سلك شهیدان قرار گیریم. همانا اویار بندگان، و خدای ستوده خصال است.





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ هَذَا التَّحْمِيدِ،

دعای امام سجاد علیه السلام پس از این ستایش

فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

در درود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله

﴿١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ

(۱) سپاس مخصوص خداست، که نه بر امت‌های گذشته و زمان‌های سپری

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ،

شده؛ بلکه بر ما به وجود محمد صلی الله علیه و آله منت نهاد؛ با قدرتش که

وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجُزُ عَنْ شَيْءٍ

از هیچ چیز هر چند بزرگ باشد، ناتوان نمی‌شود و هیچ چیز هر چند کوچک و

وَإِنْ عَظُمَ، وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطُفَ، ﴿٢﴾

ریز باشد، از دایره اختیار و عرصه ارادتش، بیرون نمی‌رود. (۲) خدای توانا، ما را

فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مِنْ ذُرَا، وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ

بر همه امت‌هایی که آفرید، خاتم قرار داد و بر همه منکران حق و حقیقت

عَلَى مَنْ جَحَدَ، وَكَثَّرْنَا بِإِمْنِهِ عَلَى مَنْ قَلَّ.

گواه گرفت و با نیکی و احسانش، ما را بر آنان که اندک بودند، فزونی بخشید.

﴿٣﴾ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مِينِكَ عَلَيَّ وَحَيْكَ،

(۳) خدایا بر محمد درود فرست، آن وجود مبارکی که امین بر



وَنَجِيكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ،

وحیت و گزیده از مخلوقات و انتخاب شده از بندگان توست

إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ،

و او پیشوای رحمت و قافله سالار خوبی و کلید برکت است.

﴿٤﴾ كَمَا نَضَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ، وَعَرَّضَ فَيْكَ

(٤) چنانکه جانش را برای فرمانت به زحمت انداخت و بدنش را در راه وجود مقدست

لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ، وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ

در معرض ناراحتی قرار داد و در دعوت به سوی تو، آشکارا با خویشان و نزدیکانش

حَامَّتَهُ، وَحَارَبَ فِي رِضَاكَ أُسْرَتَهُ، وَقَطَعَ

رو در رو قرار گرفت و در مسیر خشنودیت با اشخاص خانواده اش جنگید و در راه

فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحْمَةً، وَأَقْصَى الْأَدْنِيْنَ عَلَى

برقراری دینت، از خویشاوندانش برید و نزدیک ترین بستگانش را به سبب انکارشان، از

جُحُودِهِمْ، وَقَرَّبَ الْأَقْصِيْنَ عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ،

خود دور کرد و دورترین را به علت پذیرفتن دین تو، به خود نزدیک فرمود. با بیگانه ترین

وَوَالِي فَيْكَ الْأَبْعَدِيْنَ، وَعَادَى فَيْكَ الْأَقْرَبِيْنَ،

مردم، به خاطر تو دوستی ورزید و با نزدیک ترین خویشان، به هوای تو دشمنی کرد.

وَأَدَابَ نَفْسَهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ، وَاتَّعَبَهَا

و جانش را در رساندن پیام تو به خستگی افکند و وجودش را به خاطر فراخواندن

بِالدُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ، وَشَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ

مردم به آیین تو، به زحمت افکند و خود را به جهت خیرخواهی، نسبت به پذیرندگان



دَعْوَتِكَ، ﴿۵﴾ وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَةِ، وَمَحَلِّ

دعوت در عرصه کار و کوشش گذاشت (۵) و برای تبلیغ دینت، به سرزمینهای

النَّأْيِ عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ،

غربت و جا و مکان دور از وطن و دور از خانه و منزلش و جدای از مرکز سکونت

و مَسْقَطِ رَأْسِهِ، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِرَادَةً مِنْهُ

و محل تولد و آرامگاه جانش، هجرت کرد. این هجرت اراده و خواست او بود برای

لِإِعْزَازِ دِينِكَ، وَ اسْتِنصَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ

نیرومند شدن دینت و یاری جستن علیه کافران به حضرت، (۶) تا جایی که هر

بِكَ، ﴿۶﴾ حَتَّى اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ،

آنچه، دریاه دشمنانت با چاره‌جویی و دوراندیشی، در صدد به دست آوردنش بود،

وَ اسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ، فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ

برای او هموار شد و آنچه در مورد دوستانت، سنجیده و نظام داده بود برایش کامل

مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِكَ، وَ مُتَّقَوِيًّا عَلَى ضَعْفِهِ

گشت. پس در حالی که از کمک دهیات، خواستار پیروزی بود و از یاریت به جبران

بِنَصْرِكَ، فَغَزَاهُمْ فِي عَقْرِ دِيَارِهِمْ، وَ هَجَمَ

ناتوانیش خواهان نیرو و قدرت بود، به سرعت به کارزار، با دشمنان برخاست ؛

عَلَيْهِمْ فِي مُجْبُوْحَةٍ قَرَارِهِمْ، حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ،

در نتیجه در وسط سرزمینشان با آنان جنگید و در میان محل اقامتشان به آنان هجوم

وَ عَلَتِ كَلِمَتُكَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

برد تا فرمانت آشکار شد و دینت برتری یافت؛ گرچه مشرکان را خوش نیاید.



(۷) اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ

(۷) خدایا! به خاطر مشقت و زحمتی که در راه تو کشید، مرتبه او را به

الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ، حَتَّى لَا يُسَاوَى فِي مَنْزِلَةٍ،

بالاترین درجه بهشت بالا بر، تا جایی که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل،

وَلَا يُكَافَأُ فِي مَرْتَبَةٍ، وَلَا يُوَازِيهِ لَدَيْكَ

در پیشگاه حضرت در قدر و منزلت و درجه و مرتبت با او یکسان و برابر و

مَلِكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَعَرَفَهُ فِي

موازی نشود و از نیکی شفاعت و پذیرش میانجی‌گری او در مورد

أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَأُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ، مِنْ حُسْنِ

اهل بیت پاکیزه‌اش و امت مؤمنش، بیش‌تر از آنچه

السَّفَاعَةِ أَجَلَ مَا وَعَدْتَهُ؛ (۸) يَا نَافِذَ الْعِدَّةِ، يَا

به او وعده داده‌ای، به حضرتش اعلام کن. (۸) ای که وعده‌ات تحقق می‌یابد

وَإِفَى الْقَوْلِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنْ

و عهدت قرین وفاست! ای که بدی‌ها را، به چندین برابر به خوبی‌ها تبدیل

الْحَسَنَاتِ؛ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

می‌کنی! همانا تو صاحب احسان و بخشش عظیمی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در طلب رحمت بر حاملان عرش

وَكَلِّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ

و تمام فرشتگان مقرب

﴿١﴾ اللَّهُمَّ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يُفْتَرُونَ

(۱) خدایا! و حاملان عرش: آن بزرگوارانی که از تسیح گفتن

مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَلَا يَسَامُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ،

برای تو سست و بی حال نمی‌شوند و از تقدیست به ستوه نمی‌آیند،

وَلَا يَسْتَحْصِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا يُؤْثِرُونَ

و از بندگیت خسته و وامانده نمی‌گردند، و کوتاهی در عمل را بر کوشش

التَّقْصِيرَ عَلَى الْجَدِّ فِي أَمْرِكَ، وَلَا يَغْفَلُونَ عَنِ

در اجرای دستور ترجیح نمی‌دهند، و از شیفگی و سرگشتگی نسبت به

الْوَلَهُ إِلَيْكَ؛ ﴿٢﴾ وَإِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ،

تو، غفلت نمی‌ورزند. (۲) و اسرافیل که صاحب شیپور است؛ آن بلندمرتبه‌ای که

الشَّأْخِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَحُلُولَ

چشم به راه اجازه و فرود آمدن دستور، از جانب توست. به محض رسیدن فرمانت

الْأَمْرِ، فَيَنْبِئُهُ بِالنَّفْحَةِ صَرَعى رَهَائِنَ الْقُبُورِ؛

با یک بار دمیدن در شیپور، افتادگان در زندان گور، از خواب مرگ بیدار می‌کند.





(۳) وَمِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَالْمَكَانِ

(۳) و میکائیل که نزد تو، صاحب مقام و مرتبه است، و در

الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ؛ (۴) وَجِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى

عرصه طاعتت دارای درجه‌ای بلند است. (۴) و جبرئیل که امین بر

وَحِيكَ، الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ، الْمَكِينُ

وحی توست، و در میان اهل آسمان‌هایت مورد اطاعت است؛

لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ؛ (۵) وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ

فرشته‌ای که در پیشگاهت ارجمند، و نزد حضرتت مقرب است. (۵) روحی

عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ، وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ

است که بر فرشتگان حجاب‌ها گمارده‌ای، و جانی است که از

مِنْ أَمْرِكَ؛ (۶) فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ

مشرق فرمانت طلوع کرده؛ (۶) پس بر همه آنان درود فرست.

الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ، مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ،

و بر فرشتگانی که از نظر مرتبه و مقام پایین‌تر از آنانند؛ فرشتگانی که

وَأَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَتِكَ؛ (۷) وَالَّذِينَ

ساکنان آسمان‌هایت هستند، بر پیام‌هایت امینند. (۷) و آنان که

لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ، وَلَا أَعْيَاءٌ مِنْ

به خاطر کوشش پیوسته و دائم‌شان، ملامت بر آنها وارد نمی‌شود، و از

لُغُوبٍ وَلَا فُتُورٍ، وَلَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ

هیچ زحمتی، خستگی و سستی و ناتوانی به آنان راه پیدا نمی‌کند. امیال



الشَّهَوَاتُ ، وَلَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ

و شهوات، از تسبیح بازمان نمی‌دارد، و فراموشی ناشی از غفلت‌ها

الْغَفْلَاتِ ، ﴿٨﴾ الْخَشَعُ الْأَبْصَارِ ، فَلَا يَرُومُونَ

آنان را از تعظیم به تو جدا نمی‌کند، (۸) فروهسته دیدگانند؛ بنابراین،

النَّظَرَ إِلَيْكَ ، النَّوَاصِيسُ الْأَذْقَانِ ، الَّذِينَ قَدْ

نظر کردن به جمال و جلال حضرتت را درخواست نمی‌کنند. از حقارت

طالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ

و خواری، در برابر عظمت سر به زیر افتاده‌اند. شوقشان به آنچه نزد

آلَائِكَ ، وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ

توست، طولانی شد. به یاد نعمت‌هایت شیفته‌اند و در برابر عظمت

كِبْرِيائِكَ ؛ ﴿٩﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى

و بزرگی کبریایت فروتنند. (۹) و آن دسته از فرشتگانی که چون به

جَهَنَّمَ ، تَزْفِرُ عَلَىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ : سُبْحَانَكَ ،

جانب جهنم بنگرند، و آن را بر متخلفان از دستورهايت خروشان و عربده‌کنان ببینند،

مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ ؛ ﴿١٠﴾ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

می‌گویند: خدایا! منزه و پایی. ما تو را چنانکه سزاوار توست بندگی نکردیم؛ (۱۰) پس

وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ ، وَ أَهْلِ

بر آنان درود فرست، و نیز درود فرست بر روحانیون از فرشتگان و اهل

الرُّؤْفَةِ عِنْدَكَ ، وَ حَمَالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ ،

رتبه و منزلت در پیشگاهت و حاملان پیام غیب، به سوی رسولانت،



وَالْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ، وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ

و امینان بر وحیت و اصناف فرشتگانی که

الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَأَغْنَيْتَهُمْ عَنِ

آنان را به خود اختصاص داده‌ای، در سایه تقدیست،

الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ، وَأَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ

از خوراک و آشامیدن بی‌نیاز کرده‌ای، و در اندرون طبقات آسمان‌هایت، ساکن

أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ؛ ﴿۱۱﴾ وَالَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهِا إِذَا

فرموده‌ای. (۱۱) و درود بر آنان که چون فرمانت به انجام وعده‌ات نازل

نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامٍ وَعَدِكَ؛ ﴿۱۲﴾ وَخُزَّانِ الْمَطَرِ

شود، به اطراف آسمان‌ها گماشته شوند. (۱۲) و درود بر خزانه‌داران باران

وَزَوَاجِرِ السَّحَابِ، وَالَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ

و حرکت دهندگان ابر و فرشته‌ای که به صدای فریادش،

يُسْمَعُ زَجْلُ الرَّعُودِ، وَإِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةٌ

غرش رعدها شنیده می‌شود، و هنگامی که ابر خروشان به وسیله او

السَّحَابِ التَّمَعَّتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ؛ ﴿۱۳﴾

به حرکتی شتابانه درآید، شعله‌های برق درخشیدن گیرد. (۱۳)

وَمُشِيعِي الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَالْمُهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ

و درود بر فرشتگانی که برف و تگرگ را بدرقه می‌کنند، و فرشتگانی که همراه قطره

الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَالْقَوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَّاحِ،

باران، چون ببارد، فرود آیند. و درود بر آنان که سرپرست خزینه‌های بادند،



وَالْمُؤَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ؛ ﴿١٤﴾ وَالَّذِينَ

و آنان که بر کوهها گماشته شده‌اند؛ بنابراین از جا در نمی‌روند، (۱۴)

عَرَفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَكَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوْ أَعْجُ

و درود بر آنان که وزن آب‌ها، و اندازه باران‌های سیل‌آسا، و رگبارهای

الْأَمْطَارِ وَعَوَالِجُهَا، وَرُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى

متراکم را به آنها شناسانده‌ای. و درود بر فرستادگانت به سوی

أَهْلِ الْأَرْضِ، بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ،

اهل زمین، از فرشتگانی که گرفتاری ناخوشایند و گشایش

وَمَحْبُوبِ الرَّخَاءِ، ﴿١٥﴾ وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ،

خوش آیند برای آنان می‌آورند، (۱۵) و درود بر سفیران بزرگواری نیکوکار،

وَالْحَفِظَةَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَمَلِكِ الْمَوْتِ

و نویسندگان ارجمندی که حافظان اعمال مردمند، و درود بر فرشته مرگ

وَأَعْوَانِهِ، وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَرُومَانَ فَتَّانِ

و یارانش و منکر و نکیر و رومان آزمایش کننده مردگان

الْقُبُورِ، وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَمَالِكِ

قبرها، و درود بر طواف‌کنندگان بیت معمور، و بر مالک

وَالْخَزْنَةِ وَرِضْوَانَ، وَسَدَنَةَ الْجِنَانِ؛ ﴿١٦﴾

و خازنان دوزخ و رضوان، و خدمتگزاران بهشت. (۱۶)

«وَالَّذِينَ لَا يَعِصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَيَفْعَلُونَ

و درود بر فرشتگانی که، خدا را «در آنچه دستورشان می‌دهد، مخالفت نمی‌کنند، و آنچه



مَا يُؤْمَرُونَ»؛ ﴿١٧﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ: «سَلَامٌ

رافرمان داده می شوند، انجام می دهند». (۱۷) و درود بر فرشتگانی که به اهل بهشت می گویند: «بر

عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»، وَالزَّيْنِيَّةِ

شبهه خاطر صبری که بر عبادات و ترک محرمات کردید، سلام باد». بنابراین خانه آخرت برای شما

الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: «خُذُوهُ فَغُلُّوهُ، ثُمَّ الْجَحِيمَ

نیکو خانه ای است، و درود بر نگاهبانان دوزخ؛ چون به آنها گفته شود: «مجرم را بگیرید و او را زنجیر

صَلُّوهُ»، ابْتَدِرُوهُ سِرَاعًا وَلَمْ يُنْظَرِوهُ، ﴿١٨﴾

کنید و سپس به جهنم دراندازید، «شتابان و سریع دستگیرش کنید و به او مهلت ندهند، (۱۸) و

وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَلَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ،

درود بر فرشته ای که یادش را از حساب انداختیم، و از رتبه و منزلتش آگاه

وَبِأَيِّ أَمْرِ وَكَلْتَهُ، وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ

نشدید، و نمی دانیم او را به کاری گماشته ای. و درود بر فرشتگانی که ساکن هوا،

وَالْمَاءِ، وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ؛ ﴿١٩﴾ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و زمین و آبند، و کسانی از آنان که گماشتگان بر مخلوقاتند؛ (۱۹) پس بر آنان درود

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ، وَصَلِّ

فرست، روزی که هر شخصی به محشر می آید، در حالی که همراه او فرشته راننده،

عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كِرَامَةً عَلَى كِرَامَتِهِمْ،

و فرشته گواه عمل است، و بر آنان درود فرست؛ درودی که، کرامت بر کرامتشان

وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ.

و پاکی بر پاکیشان بیفزاید.



﴿٢٠﴾ اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ

(۲۰) خدایا! زمانی که بر فرشتگان و رسولانت درود می‌فرستی،

وَرُسُلِكَ، وَبَلَغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ، فَصَلِّ

و درود ما را به آنان می‌رسانی، به خاطر گفتار نیکی که در

عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ؛

وصف آنان بر زبان ما جاری ساختی، بر ما هم درود فرست:

إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

همانا تو بخشنده ارجمندی.





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در درود

## عَلَى أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقِيهِمْ

بر پیروان پیغمبران و ایمان آورندگان به ایشان



﴿١﴾ اللَّهُمَّ وَاتَّبَاعِ الرُّسُلِ، وَ مُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ

(۱) خدایا! پیروان رسولان و تصدیق کنندگانشان، که عبارتند از مردم روی

الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ، عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمُعَانِدِينَ

زمین، آن مردمی که تصدیقشان، قلبی و درونی بود، آنهم زمانی که دشمنان با

هُمْ بِالتَّكْذِيبِ، وَ الْإِشْتِاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ

تکذیب رسالت رسولان، به مخالفت با آنان برخاستند، ولی پیروان و تصدیق

بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ، ﴿٢﴾ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ،

کنندگان، به کمک حقایق ایمانی، مشتاقانه به طرف رسولان روی آوردند، (۲) در

أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا،

هر روزگار و زمانی که رسولی فرستادی، و برای مردم آن روزگار و زمان، چراغ راه

مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ -

و دلیل و برهان برپا کردی، از زمان آدم، تا دوران محمد صلی الله علیه و آله،

مِنْ أَيْمَّةِ الْهُدَى، وَ قَادَةَ أَهْلِ التَّقَى - عَلَى

از پیشوایان هدایت و فرماندهان اهل تقوا، بر همه آنان

جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ- فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ  
سلام باد! خدایا! آنان را از جانب خود، به آمرزش و خشنودی  
وَرِضْوَانٍ.

یاد کن.

(۳) اَللّٰهُمَّ وَاَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً، الَّذِيْنَ

(۳) خدایا! و به ویژه اصحاب محمد را، آنان که شرط همنشینی با او را، به

اَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ، وَالَّذِيْنَ اَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ

خوبی پاس داشتند، و کسانی که در یاری دادن به حضرتش، امتحان دادند،

فِي نَصْرِهِ وَكَانَفُوهُ، وَاسْرَعُوا اِلَى وِفَادَتِهِ،

امتحانی نیکو، و او را در تمام پیشامدها کمک کردند، و به زیارت و دیدارش

وَسَابَقُوا اِلَى دَعْوَتِهِ، وَاسْتَجَابُوا لَهٗ حَيْثُ

شتافتند، و برای شنیدن دعوتش، بر یکدیگر پیشی جستند، و هنگامی که دلیل

اَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ، (۴) وَفَارَقُوا الْاَزْوَاجَ

پیام‌هایش را، به گوش آنان رساند، او را اجابت کردند، و آیینش را پذیرفتند

وَالْاَوْلَادَ فِي اِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَاقَاتَلُوا الْاَبَاءَ

(۴) و در راه آشکار کردن دینش، از همسران و فرزندان جدا شدند، و برای

وَالْاَبْنَاءَ فِي تَثْبِيْتِ نُبُوَّتِهِ، وَانْتَصَرُوا بِهٖ،

پابرجا شدن نبوتش، با پدران و فرزندان خود جنگیدند، و به خاطر وجود او،

وَمَنْ كَانُوا مُنْطَوِيْنَ عَلٰی مَحَبَّتِهِ، «يَرْجُونَ

در آن جنگ‌ها پیروز شدند. و کسانی که به رشته محبت او پیچیده شدند، در مسیر





تِجَارَةً لَّنْ تَبَوَّرَ» فِي مَوَدَّتِهِ، وَالَّذِينَ هَجَرْتَهُمْ

دوستی و عشقش، «تجارتی را امید دارند، که هرگز کسادی و زیان، در آن راه ندارد».

العشائر، إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ، وَانْتَفَتَ مِنْهُمْ

و آنان که وقتی به دستگیره دین او آویختند، قبایل و عشایرشان از آنان دوری

القرابات، إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ؛ ﴿۵﴾

گزیدند، و زمانی که در سایه قرب به او آرمیدند، خویشاوندانشان از آنان کناره گرفتند.

فَلَا تَنْسَ لَهُمْ- اللَّهُمَّ- مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ،

(۵) خدایا! لطفت را برای اصحاب محمد به خاطر آنچه که محض تو، و در راه تو از

وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ

دست دادند، از نظر دور مدار و آنان را از خشنودیت خشنود ساز! و نیز به خاطر

عَلَيْكَ، وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاءَ لَكَ إِلَيْكَ،

آن که مردم را پیرامون دینت گرد آوردند، و در حالی که خالصانه، ملت را به سوی تو

وَاشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ،

دعوت می‌کردند، همراه فرستاده‌ات بودند، و برای این که در راه تو از شهر و دیار

وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ،

و قوم خود هجرت کردند و از فراخی معاش، به تنگی و سختی دچار شدند و افراد

وَمَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ.

زیادی که برای بزرگداشت دینت ستم‌ها تحمل کردند، پاداش عنایت کن.

﴿۶﴾ اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ،

(۶) خدایا! به آنان که به خوبی و نیکی پیرو اصحاب پیامبرند؛



الَّذِينَ « يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا

آن پیروانی که می‌گویند: « پروردگارا! ما و برادران ما را که

الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ»، خَيْرَ جَزَائِكَ، ﴿٧﴾

به ایمان بر ما پیشی گرفتند پیامرز! « بهترین پاداشت را برسان؛ (۷)

الَّذِينَ قَصَدُوا سَمَتَهُمْ، وَتَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ،

همانان که روش اصحاب را قصد کردند و سمت و سو و جهت آنان را برگزیدند،

وَمَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ، لَمْ يَنْهَم رَيْبٌ فِي

و شیوه آنان را دنبال کردند، در حالی که تردیدی در بینایشان

بَصِيرَتِهِمْ، وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ،

خطور نکرد و شکی در پیروی آثارشان، و اقتدا به نشان هدایتشان، دل مشغولشان نساخت.

وَ الْإِيْتِمَامِ بِهِدَايَةِ مَنْارِهِمْ، مُكَانِفِينَ وَ مُوَازِرِينَ

کم کاران و تقویت کنندگان اصحاب بودند؛ به دین آنان می‌گروند و به هدایت

لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَ يَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ،

آنان راه می‌یابند و نسبت به اصحاب واقعی پیامبر اتفاق نظر دارند، و آنان را در

يَتَّفِقُونَ عَلَيْهِمْ، وَ لَا يَتَّهَمُونَهُمْ فِيمَا آدَّوْا إِلَيْهِمْ.

برنامه‌هایی که از رسول اسلام به ایشان رساندند، متهم به دروغ و کذب نمی‌کنند.

﴿٨﴾ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ، مِنْ يَوْمِنَا هَذَا

بر خدایا! از امروز تا روز قیامت،

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ عَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ،

تابعین و همسران و فرزندان ایشان و بر هر که از آنان که



وَعَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ، ﴿٩﴾ صَلَاةً تَعَصِمُهُمْ بِهَا

تو را اطاعت کرده، درود فرست؛ (۹) درودی که به سبب آن از

مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَتَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ،

معصیت بازمان داری، و به آنان در باغ بهشت، وسعت و گشایش دهی

وَتَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَتُعِينُهُمْ بِهَا

و از نیرنگ شیطان مانعشان گردی، و به هر کار نیکی که نسبت به آن

عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ، وَتَقِيهِمْ طَوَارِقَ

از تو مدد جویند، یاریشان دهی، و

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، ﴿١٠﴾

حوادث شب و روز حفظشان کنی، مگر حادثه‌ای که به خیر می‌آید، (۱۰)

وَتَبِعْتُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ،

و آنان را به سبب آن درود، بر اساس اعتقاد به امید نیک و نسبت به

وَالطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ، وَتَرِكَ الشُّهُمَةَ فِيمَا تَحْوِيهِ

عنايات و لطف، و طمع به آنچه نزد توست و ترك بدگمانی درباره آنچه بندگان

أَيْدِي الْعِبَادِ، ﴿١١﴾ لَتَرُدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ،

مالك و صاحب آند، برانگیزی. (۱۱) و به جانب شوق و رغبت به سويت،

وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ؛ وَتُزَهِّدُهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ،

و بیم از حضرتت برگردانی و به فراخی دنیای زودگذر

وَتُحِبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ، وَالِاسْتِعْدَادَ لِمَا

و فانی شدنی بی‌رغبتشان سازی، و عمل برای جهان آخرت، و آمادگی برای آنچه



بَعْدَ الْمَوْتِ، ﴿۱۲﴾ وَتَهْوَنَ عَلَيْهِمْ كُلُّ كَرْبٍ،

پس از مرگ است، محبوب آنان فرمایی (۱۲) و هر سختی و مشقت و اندوه و حزنی که

يَحِلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَسْدَانِهَا،

روز بیرون رفتن جان‌ها از بدن‌ها بر آنان وارد می‌شود، آسان کنی، و آنان را از

وَتُعَافِيهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْدُورَاتِهَا،

اموری که به سبب آنها، فتنه واقع می‌شود؛ فتنه‌هایی که از آن می‌پرهیزند،

وَكَبَّةِ النَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ فِيهَا، وَتُصَيِّرَهُمْ

و از کانون و مرکز آتش و طول ماندگاری در آن، سلامت همه جانبه دهی، و

إِلَى أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ.

به مقام امنی که جایگاه استراحت پرهیزکاران است، منتقل گردانی.





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِنَفْسِهِ وَ لِأَهْلِ وَ لَائَتِهِ

دعای امام سجاد علیه السلام درباره خود و دوستانش

﴿۱﴾ يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ؛

(۱) ای آن که، شگفتی‌های عظمتش به پایان نمی‌رسد! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از سرکشی و ستیزگی در برابر بزرگیت، حایل و مانع باش.

﴿۲﴾ وَيَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةَ مُلْكِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نِقْمَتِكَ؛ ﴿۳﴾ وَيَا مَنْ لَا تَفْنِي خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

(۲) و ای آن که دوران فرمان‌رواییش به نهایت نمی‌رسد! بر محمد و آل محمد درود فرست، و ما را از مجازات‌ت رهایی بخش. (۳) و ای آن

مَنْ لَا تَفْنِي خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ؛ ﴿۴﴾ وَيَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيَيْتِهِ الْأَبْصَارُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

که خزینه‌های رحمتش نابود نمی‌شود! بر محمد و آلش درود فرست، و از رحمت برای ما بهره و سهمی قرار ده. (۴) و ای

وَآلِهِ، وَأَدْنِنَا إِلَى قُرْبِكَ؛ ﴿۵﴾ وَيَا مَنْ تَصَغَّرُ عِنْدَ

آن که دیده‌ها، از دیدنش قطع است! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را به قرب خود نزدیک کن. (۵) و ای آن که نزد



خَطِرُهُ الْأَخْطَارُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

عرصه‌گاه مقامش، همه مقام‌ها کوچک است! بر محمد و آتش درود

وَكَرَّمْنَا عَلَيْكَ؛ (۶) وَيَا مَنْ تَظَهَّرُ عِنْدَهُ

فرست، و ما را در پیشگاهت ارجمند دار، (۶) و ای آن که خیره‌ای

بِوِاطِنِ الْأَخْبَارِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

پنهانی، نزدش آشکار می‌شود، بر محمد و آتش درود فرست.

وَلَا تَفْضُحْنَا لَدَيْكَ.

و ما را نزد خود رسوا مکن.

(۷) اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هَبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ،

(۷) خدایا! به عطا و احسانت، ما را از عطا و احسان دیگران بی‌نیاز ساز، و از

وَ اكْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ، حَتَّى

ما غم و اندوه بریده شدن احسان دیگران را به احسان و جایزه‌ات کفایت

لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَدَلِكَ، وَلَا نَسْتَوْحِشُ

فرما، تا با بذل و بخشش تو، به بذل و بخشش احدی رغبت نکنیم، و با فضل

مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ.

و احسان تو از احدی نهراسیم.

(۸) اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَدَلْنَا

(۸) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و به سود ما چاره فرما و به زیان ما

وَلَا تَكِدْ عَلَيْنَا، وَامْكُرْ لَنَا وَلَا تَمْكُرْ

چاره مساز، و به سود ما تدبیر کن و به زیان ما تدبیر مفرما، و ما را بر دیگران



بِنَا، وَادِلْ لَنَا وَلَا تُدِلْ مِنَّا.

پیروزی ده، و دیگران را بر ما پیروز مگردان.

﴿۹﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنَا

(۹) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و ما را از خشم خود نگاه دار و به

مِنْكَ، وَ احْفَظْنَا بِكَ، وَ اِهْدِنَا اِلَيْكَ،

عنايت محافظت فرما و به سوی خود هدايت کن و از حضرتت دور مساز؛ همانا

وَلَا تُبَاعِدْنَا عَنْكَ. اِنَّ مِنْ تَقِيهِ يَسْلَمُ، وَمَنْ تَهْدِهِ

هر که را تو حفظ کنی سالم می ماند، و هر که را تو هدايت فرمایی دانا می شود، و

يَعْلَمُ، وَمَنْ تَقُرَّبْهُ اِلَيْكَ يَغْنَمُ.

هر که را تو به خود نزديك کنی، به بهره مندی می رسد.

﴿۱۰﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اَكْفِنَا

(۱۰) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و ما را

حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ، وَ شَرِّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ،

از شدت حوادث ناگوار زمان و شرّ دام های شیطان

وَمَرَارَةِ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ.

و قهر و خشم سلطان، کفایت فرما.

﴿۱۱﴾ اَللّٰهُمَّ اِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ

(۱۱) خدایا! جز این نیست که قناعت کنندگان، به فضل

قُوَّتِكَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اَكْفِنَا؛ وَ اِنَّمَا

نیروی تو قناعت می کنند؛ پس بر محمد و آتش درود فرست



يُعْطِي الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَّتِكَ، فَصَلِّ

و ما را از فضل نیروی خود کفایت فرما، و جز این نیست که بخشندگان از فضل

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْطِنَا؛ وَإِنَّمَا يَهْتَدِي

جود تو می‌بخشند؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و از فضل جود خود بر ما

الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بخش، و جز این نیست که راه یافتگان، به نور وجه تو راه می‌یابند؛ پس بر محمد

وَآلِهِ، وَاهْدِنَا.

و آلش درود فرست، و ما را به نور وجه خود هدایت کن.

(۱۲) اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ

(۱۲) خدایا! هر که را تو یاری دهی، اقدام خوارکنندگان برای خوار کردنش

الْخَاذِلِينَ، وَمَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ،

زیانی به او نمی‌رساند، و هر که را تو عطا کنی، ممانعت کردن منع‌کنندگان

وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ؛ (۱۳) فَصَلِّ

از او نمی‌کاهد، و هر که را تو هدایت فرمایی، اقدام گمراه‌کنندگان برای

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنَا بَعْزِكَ مِنْ عِبَادِكَ،

گمراه کردنش او را به گمراهی دچار نسازد؛ (۱۳) پس بر محمد و آلش درود

وَاعْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ، وَاسْلُكْ بِنَاسِبِيلٍ

فرست، و به عزت ما را از شرّ بندگان باز دار و به عطایت از غیر خود

الْحَقِّ بِإِرْشَادِكَ.

بی‌نیاز کن، و به هدایتت ما را به راه حق ببر.





﴿۱۴﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(۱۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و سلامت

سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفَرَاغَ أَبْدَانِنَا

دل‌های ما را در یاد بزرگیت، و آسایش بدن‌هایمان را

فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلاقَ السِّنِّتِنَا فِي

در شکر نعمت و گشوده شدن زبانمان را در

وَصْفِ مَنِّتِكَ.

وصف عطایت قرار ده.

﴿۱۵﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا

(۱۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از دعوت کنندگانی که

مِنْ دُعَاتِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَهُدَاتِكَ الدَّالِّينَ

به سوی تو دعوت می‌کنند، و راهنماییانی که به جانب تو، به دلالت بندگان

عَلَيْكَ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ؛ يَا

برمی‌خیزند، و از ویژه‌بندگان که در پیشگاه حضرتت اختصاص به تو دارند

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان.





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ

دعای امام سجاد علیه السلام در بامداد و شامگاه

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ،

(۱) سپاس مخصوص خداست، که شب و روز را به نیرویش آفرید

وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ، وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ

و به قدرتش میان آن دو جدایی ایجاد کرد و برای هر یک

مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَأَمَدًا مَمْدُودًا؛ ﴿۲﴾ يُولِجُ

از آنها مرزی مشخص و زمانی گسترده قرار داد. (۲) هر

كُلًّا وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَيُولِجُ صَاحِبَهُ

کدام را در درون دیگری وارد می‌کند، به سرنوشت و تقدیری

فِيهِ، بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا يَغْذُوهُمْ بِهِ، وَيُنْشِئُهُمْ

که از جانب او، برای بندگان مقرر شده، تا آنان را به این وسیله روزی

عَلَيْهِ؛ ﴿۳﴾ فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ

رساند و رشد و پرورششان دهد. (۳) پس شب را برای بندگان آفرید، تا در آن

حَرَكَاتِ التَّعَبِ، وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ، وَجَعَلَهُ

از حرکات خستگی آور و برپا ایستادن‌های رنج‌زا بیاسایند و آن را پوششی قرار

لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ، فَيَكُونُ

داد تا از آسایش و خوابش بهره‌مند شوند و نهایتاً از برکت نعمت شب، پیمانه



ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَقُوَّةً، وَلِيَنَالُوا بِهِ لَذَّةَ وَشَهْوَةَ؛

وجودشان از نشاط و نیرو لبریز شود و به وسیله آن به لذت و کام دل رسند.

﴿٤﴾ وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا، لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ

(٤) و روز را برای بندگان روشنی بخش آفرید، تا در آن به طلب فضل و

فَضْلِهِ، وَلِيَتَسَبَّبُوا إِلَى رِزْقِهِ، وَيَسْرَحُوا فِي

احسانش برآیند، و آن را وسیله و ابزاری برای رسیدن به رزق و روزیش قرار

أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ،

دهند، و در زمین او از پی به دست آوردن آنچه در آن سود بدون تأخیر و سریع

وَدَرَكَ الْآجِلِ فِي أُخْرَاهُمْ؛ ﴿٥﴾ بِكُلِّ ذَلِكَ

دنیای آنهاست، و نیز رسیدن به منفعت دائمی آخرتشان به راه افتند. (٥) به تمام

يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ، وَيَبْلُوا أَخْبَارَهُمْ، وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ

این امور کارشان را اصلاح می‌کند، و کردارشان را می‌آزماید، و می‌نگرد که

فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَمَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَمَوَاقِعِ

در اوقات طاعتش و جایگاه‌های واجباتش، و موارد احکامش

أَحْكَامِهِ، «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا،

چگونه‌اند. «تا کسانی را که بد کردند، به خاطر کار زشتشان، جزا دهد

وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى».

و آنان را که خوبی کردند، با بهشت پاداش بخشد.»

﴿٦﴾ اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى مَا فَالَقْتَ لَنَا مِنْ

(٦) خدایا! فقط تو را سپاس، بر این نعمت: که تاریکی شب را شکافتی،



الإصباح، وَمَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ، وَبَصَّرْتَنَا

و روشنی صبح را آشکار کردی، و ما را به شکافتن تاریکی شب از روشنی

مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ، وَوَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ

روز بهره‌مند ساختی و در راه به دست آوردن خوردنی‌ها بینا فرمودی، و از

الآفات.

پیشامدهای ناگوار بلاها نگاه داشتی.

(۷) أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتْ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجَمَلَتِهَا

(۷) شب را برای تو صبح کردیم، و همه آفریده‌ها برای تو قدم

لَكَ: سَمَاوُهَا وَ أَرْضُهَا، وَ مَا بَثَّتْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ

در عرصه صبح گذاشتند. آسمان و زمینشان، و آنچه در هر کدام

مِنْهُمَا، سَاكِنُهُ وَ مَتَحَرَّكُهُ، وَ مَقِيمُهُ وَ شَاخِصُهُ،

از آنها پراکنده‌ای، ساکن و جنبنده‌اش، ایستاده و رونده‌اش،

وَ مَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ، وَ مَا كُنَّ تَحْتَ الثَّرَى.

و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه زیر خاک پنهان شده.

(۸) أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ، يَحْوِينَا مُلْكُكَ

(۸) در عرصه گاه ملکیت تو صبح کردیم. فرمانروایی و پادشاهیت

وَ سُلْطَانِكَ، وَ تَضَمَّنَا مَشِيَّتِكَ، وَ تَصَرَّفَ

ما را گرد آورده، و اراده‌ات ما را جمع کرده. از برکت فرمانت، در کارها تصرف

عَنْ أَمْرِكَ، وَ نَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ، لَيْسَ لَنَا مِنْ

می‌کنیم، و در سایه تدبیرت دگرگون می‌شویم. جز آنچه



الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ، وَلَا مِنْ الْخَيْرِ إِلَّا مَا

فرمانت بر آن صادر شده، برای ما کار و مطلبی نیست، و جز آنچه را به ما

أَعْطَيْتَ؛ ﴿۹﴾ وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ،

بخشیدی، خیری وجود ندارد. (۹) امروز روز آفریده شده جدیدی است، و او

وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ؛ إِنْ أَحْسَنَّا وَدَعْنَا

بر ما گواه آماده‌ای است. اگر خوبی کنیم، ما را با سپاس ترک می‌کند و اگر

بِحَمْدِهِ، وَإِنْ أَسَأْنَا فَارْقَنَّا بِذَمِّهِ.

بدی کنیم، نکوهش‌کنان از ما جدا می‌شود!

﴿۱۰﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا

(۱۰) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و نیکو همنشینی با این روز

حُسْنٍ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ

را نصیب ما گردان، و از بد جدا شدن با او، همراه دست زدن به گناه،

بَارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ،

و ارتکاب معصیت کوچک یا بزرگ، ما را حفظ فرما، و در آن، بهره

وَ أَجْزَلِ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلِنَا فِيهِ

ما را از خوبی‌ها سرشار و فراوان قرار ده و از زشتی‌ها تهی کن.

مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ أَمَلْنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا

و از ابتدا تا پایانش را، برای ما از سپاس و شکر و پاداش و اندوخته آخرت و

و شُكْرًا، وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا، وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا.

فضل و احسان پُر فرما.



﴿۱۱﴾ اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَيَّ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ مَوْوَنَتْنَا،

(۱۱) خدایا! سختی و دشواری ما را به برکت تقوا و اعمال شایسته، بر کرام کاتبین

وَ اَمَلًا لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفُنَا، وَلَا تُخْزِنَا

که فرشتگان نویسنده اعمالند، آسان ساز، و صفحات پرورنده ما را از خوبی‌ها

عِنْدَهُمْ بِسُوءِ اَعْمَالِنَا.

پر کن، و ما را نزد فرشتگان نویسنده اعمال، به کردارهای زشتان رسوا مساز.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ

(۱۲) خدایا! در هر ساعتی از ساعات

حَظًا مِنْ عِبَادِكَ، وَ نَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ، وَ شَاهِدَ

روز بهره‌ای از بندگیت، و سهمی از شکرگزاریت، و شاهد راستی از

صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ.

فرشتگان تو برای ما قرار ده.

﴿۱۳﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ احْفَظْنَا

(۱۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را

مِنْ بَيْنِ اَيْدِينَا وَ مِنْ خَلْفِنَا، وَ عَن اَيْمَانِنَا، وَ عَن

از پیش رو، و پشت سر و طرف راست و جانب چپ

شَمَائِلِنَا، وَ مِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا، حِفْظًا عَاصِمًا

و از تمام سمت و سویان، حفظ کن، حفظی که ما را

مِنْ مَعْصِيَتِكَ، هَادِيًا اِلَى طَاعَتِكَ، مُسْتَعْمِلًا

از نافرمانیت باز دارد، و به فرمانبرداریت راهنمایی کند، و برای



لِمَحَبَّتِكَ. ﴿١٤﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

عشق و محبتت به کار گیرد. (۱۴) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست،

وَوَفَّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ، وَفِي جَمِيعِ

و ما را در این روز و شبمان، و در تمام

أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَهَجْرَانِ الشَّرِّ،

ایامان برای این امور موفق بدار: به کارگیری خیر، و دوری از شر،

وَشُكْرِ النِّعَمِ، وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ، وَمُجَانَبَةِ الْبِدْعِ،

و شکر نعمتها و پیروی از روشهای نیک، و دوری از بدعتها،

وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالتَّهْيِیِ عَنِ الْمُنْكَرِ،

و امر به معروف، و نهی از منکر،

وَحَيَاةِ الْإِسْلَامِ، وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ،

و پاسداری از اسلام و کم کردن و خوار ساختن باطل،

وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِعْزَازِهِ، وَإِرْشَادِ الضَّالِّ،

و یاری و گرمی داشت حق، و راهنمایی گمراه،

وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَإِدْرَاكِ اللَّهْفِیِّ.

و کمک کردن به ناتوان، و پناه دادن به درمانده و گرفتار.

﴿١٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ أَيْمَنَ

(۱۵) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و امروز را فرخندهترین روزی که تاکنون

يَوْمَ عَهْدِنَا، وَأَفْضَلَ صَاحِبِ صَحْبِنَا، وَخَيْرِ

شناخته‌ایم، و برترین همنشینی که با او همراه بوده‌ایم و بهترین زمانی که در



وَقَتٍ ظَلَّلْنَا فِيهِ؛ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ

آن به سر برده‌ایم قرار ده، و ما را از میان تمام آفریده‌هایت، از خشنودترین

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ، أَشْكُرُهُمْ لِمَا

کسانی که شب و روز بر آنها گذشته، و شاکرترین کسانی که نعمت‌هایت را به

أَوْلَيْتَ مِنْ نِعْمِكَ، وَأَقَوْمَهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ

آنان داده‌ای، و مستقیم‌ترین آنان، در عرصه گاه آیین‌هایی که وضع کرده‌ای، و

شَرَّائِعِكَ، وَأَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ.

خویشترند درترین مردمی که از نافرمانیت بیمشان داده‌ای، قرار ده.

﴿١٦﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا،

(١٦) خدایا! قاطعانه تو را گواه می‌گیرم، و تو از نظر گواه بودن

وَأَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ، وَمَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ

کافی هستی و آسمان و زمینت و فرشتگانی که میان آسمان و زمینت

مَلَائِكَتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ، فِي يَوْمِي هَذَا، وَسَاعَتِي

ساکن کرده‌ای، و دیگر آفریده‌هایت را در امروز و این ساعت و

هَذِهِ، وَلَيْتِي هَذِهِ، وَمُسْتَقَرِّي هَذَا، أَنِّي أَشْهَدُ

این ششم، و این جایگاهم گواه می‌گیرم، که من شهادت می‌دهم

أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ،

که همانا تویی خدا؛ که خدایی جز تو نیست، بر پایه قسط، عادل

عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، رَوِّفٌ بِالْعِبَادِ، مَالِكُ الْمُلْكِ،

در حکم، مهربان به بندگان، مالک هستی،





رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ، ﴿١٧﴾ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ

رحیم به آفریده‌هایی. (۱۷) و شهادت می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده و

وَرَسُولُكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلْتَهُ

برگزیده‌ات، از میان آفریده‌های توست. رسالت را برعهده‌اش گذاشتی و او

رِسَالَتِكَ فَأَدَّاهَا، وَأَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ

حق آن رسالت را ادا کرد و حضرتش را به خیرخواهی برای امتش دستور دادی،

لَهَا؛ ﴿١٨﴾ اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَكْثَرَ

و او برای امت خیرخواهی کرد. (۱۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست،

مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَآتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ

بیش از آنچه بر احدی از آفریده‌هایت درود فرستاده‌ای، و از جانب ما بهترین

مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ

چیزی که به یکی از بندگانت داده‌ای، به او عنایت کن، و از ناحیه ما برترین

وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ، أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ؛

و کریمانه‌ترین پاداشی که به یکی از پیامبرانت از طرف امتش داده‌ای، به او

إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ، الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ،

بده؛ همانا تو بسیار احسان کننده‌ای؛ احسان کننده به نعمت‌های تنومند،

وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ؛ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و آمرزنده‌ای؛ آمرزنده گناه بزرگ، و تو از هر مهربانی مهربان‌تری، پس بر

وَآلِهِ، الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، الْأَخْيَارَ الْأَنْجَبِينَ.

محمد و آل پاکیزه و پاکش که نیکوکاران برگزیده‌اند، درود فرست.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهَيَّمَةٌ،

دعای امام سجاد علیه السلام هنگامی که مهمی به وی دست می‌داد

أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ، وَعِنْدَ الْكَرْبِ

یا رنجی فرود می‌آمد و به وقت اندوه

﴿١﴾ يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ

(۱) ای آن که گره‌های امور رنج‌آور، به وسیله او گشوده می‌شود، و ای آن که تندی

يُفْتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ

و تیزی سختی‌ها، به عنایت او فرو می‌نشیند، و ای آن که بیرون آمدن از تنگی

الْمَخْرَجُ إِلَى رُوحِ الْفَرَجِ؛ ﴿٢﴾ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ

و فشار، و قرار گرفتن در راحتی گشایش، و رهایی از غم و اندوه، از او خواسته می‌شود. (۲)

الصَّعَابُ، وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ، وَجَرَى

دشواری‌ها در برابر قدرت آسان گردد. وسایل زندگی و اسباب حیات، به لطف

بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ

فراهم آید، و فرمان و حکم به نیرویت جریان یابد. و همه چیز بر اساس و اراده‌ات

الْأَشْيَاءُ، فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمَرَةٌ،

می‌گذرد؛ پس همه موجودات به خواست تو بی آن که فرمان قوی دهی، فرمان

وَبَارَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ.

برند، و به اراده‌ات، بی آن که با گفتار نهی کنی از کار باز ایستند.



(۳) أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَمَّاتِ ، وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ

(۳) تنها تو را در دشواری‌های می‌خوانند، و در بلاهای سخت و دشوار، تنها تو پناهگاهی.

فِي الْمُلِمَّاتِ ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعَتْ ،

بلاهای سخت و دشوار از انسان دور نمی‌شود، مگر آنچه را که تو دور کنی، و از گره‌های

وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفَتْ ، ﴿٤﴾ وَقَدْ نَزَلَ

رنج آور، چیزی گشوده نمی‌شود، مگر آنچه را تو بگشایی. (۴) پروردگارا! بلایی بر من

بِی- يَا رَبِّ- مَا قَد تَكَاذَنِي ثِقَلُهُ ، وَاللَّهِ بِي مَا

نازل شده، که سنگینی‌اش مرا به زحمت و رنج انداخته، و سختی و مشکلی به دردم

قَدْ بَهَظَنِي حَمَلُهُ ، وَ بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ ،

آورده، که تحملش مرا در فشار قرار داد. و تو آن را به قدرتت بر من وارد کرده‌ای،

وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ ، فَلَا مُصْدِرَ لِمَا

و به اقتدارت به سوی من فرستاده‌ای؛ چیزی را که تو آورده‌ای کسی نبرد، و آنچه تو

أَوْرَدْتَ ، وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ ، وَ لَا فَاتِحَ

فرستاده‌ای کسی بازنگرداند، و چیزی را که تو بسته‌ای گشاینده‌ای برایش نمی‌باشد، و

لِمَا أَغْلَقْتَ ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ ، وَ لَا مُبَسِّرَ

چیزی را که تو بگشایی، کسی قدرت بستنش را ندارد، و آنچه را که تو دشوار کرده‌ای،

لِمَا عَسَّرْتَ ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ ؛ ﴿٥﴾ فَصَلِّ

آسان کننده‌ای برایش نیست، و کسی را که تو بی یار و یاور گذاشته‌ای یآوری برای

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ افْتَحْ لِي- يَا رَبِّ- بَابَ الْفَرَجِ

او وجود ندارد. (۵) پس بر محمد و آلش درود فرست، ای پروردگارم! به توان و



بَطُولِكَ، وَ أَكْسِرَ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ،

تواناییت در گشایش و فرج را به روی من باز کن، و به چاره سازیت، تسلط غم و اندوه

وَ أَنْلِنِي حُسْنَ النَّظْرِ فِيمَا شَكَّوْتُ، وَ أَذِقْنِي

را از من بشکن و مرا در موردی که از آن شکایت دارم، به تأمل و تدبیر نیک برسان. و

حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

در آنچه از تو درخواست می‌کنم، شیرینی اجابت را بچشان، و از جانب خودت،

رَحْمَةً وَ فَرْجًا هَنِيئًا، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ

رحمت و گشایشی گوارا به من ببخش، و برای من از نزد خود،

مَخْرَجًا وَ حَيًّا؛ ﴿٦﴾ وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنِ

راه نجاتی سریع قرار ده. (۶) و مرا به خاطر غمگینی و حزن و اندوه

تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضَيَّقْتُ

از رعایت واجبات، و به کار گرفتن مستحبات باز مدار. پروردگارا! به سبب بلایی

لِمَا نَزَلَ بِي - يَا رَبِّ - ذَرَعًا، وَ امْتَلَأْتُ بِحَمَلِ

که بر من نازل شده، درمانده شده‌ام و از تحمل آنچه برای من پیش آمده،

مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا

دم از اندوه و غصه پر شده، و تو به برطرف کردن آنچه که به آن گرفتار شده‌ام،

مُنِيْتُ بِهِ، وَ دَفَعَ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ،

و دور کردن بلایی که در آن افتاده‌ام، توانایی؛ بنابراین قدرت و تواناییت را درباره

وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ؛ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

من به کار گیر؛ اگر چه از جانب تو سزاوار آن نیستم. ای دارای عرش بزرگ!





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در پناه بردن به حق از ناملایمات

### وَسَيِّئِ الْأَخْلَاقِ، وَمَذَامِ الْأَفْعَالِ

و اخلاق سوء و کارهای ناپسند



﴿١﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحَرِصِ،

(۱) خدایا! به تو پناه می‌آوریم، از توفان حرص و تندی

وَسُورَةِ الْعُزْبِ، وَغَلْبَةِ الْحَسَدِ، وَضَعْفِ

و شدت خشم، و چیرگی حسد و ناتوانی

الصَّبْرِ، وَقَلَّةِ الْقِنَاعَةِ، وَشَكَاةِ الْخُلُقِ،

صبر، و کمی قناعت و ناسازگاری اخلاق، و پافشاری

وَالْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَمَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ، وَمُتَابَعَةِ

و سماجت شهوت و صفت تعصب، و پیروی

الهُوَى، وَمُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَسِنَةِ الْغَفْلَةِ،

از هوای نفس و عقب ماندن از هدایت، و خواب غفلت و

وَتَعَاطِي الْكُفَّةِ، ﴿٢﴾ وَآيثارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ،

انجام کار سخت و پرمشقت (۲) و ترجیح دادن باطل بر حق

وَالْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْثِمِ، وَاسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ،

و پافشاری بر گناه، و کوچک شمردن معصیت

وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ ، وَ مُبَاهَاةِ الْمُكْثِرِينَ ،

و سنگین دانستن طاعت و فخر فروشی ثروتمندان و

وَ الْإِزْرَاءِ بِالْمُقَلِّينَ ، وَ سُوءِ الْوَلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ

تحقیر تهی دستان و بدی سرپرستی نسبت به زیردستان،

أَيْدِينَا ، وَ تَرَكَ الشُّكْرَ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ

و ترک سپاس نسبت به کسی که به ما احسان و خوبی

عِنْدَنَا ، ﴿ ۳ ﴾ أَوْ أَنْ نَعُضِدَ ظَالِمًا ، أَوْ نَخْذُلَ

کرده. (۳) خدایا! به تو پناه می‌آوریم از این که ستمگری را یاری

مَلْهُوفًا ، أَوْ نَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقِّ ، أَوْ نَقُولَ فِي

کنیم، یا ستم دیده‌ای را تنها گذاریم، یا آنچه که برای ما حق نیست

الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ .

بخواهیم، یا بدون آگاهی در امور علمی سخن گوئیم.

﴿ ۴ ﴾ وَ نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشِّ أَحَدٍ ،

(۴) و به تو پناه می‌آوریم از این که راه خیانت به کسی را بی‌پیماییم، و نسبت

وَ أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا ، وَ نَمُدَّ فِي آمَالِنَا ؛ ﴿ ۵ ﴾

به کردارمان خودپسندی کنیم، و آرزوهای خود را دور و دراز سازیم (۵) و به

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ ، وَ احْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ ،

تو پناه می‌آوریم، از بدی باطن و ناچیز شمردن گناه کوچک، و این که

وَ أَنْ يَسْتَحُوذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ ، أَوْ يَنْكُتَنَا

شیطان بر ما چیره شود، یا روزگار ما را به عرصه بلا و نکبت اندازد، یا



الزَّيْمَانُ، أَوْ يَتَّهَضَّمْنَا السُّلْطَانُ؛ ﴿٦﴾ وَنَعُوذُ بِكَ

پادشاه بر ما جور و ستم روا دارد. (٦) و به تو پناه می‌آوریم، از

مِن تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَمِنْ فَقْدَانِ الْكِفَافِ؛

رسیدن به اسراف، و از دست دادن آنچه که در زندگی به اندازه و کافی

﴿٧﴾ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ الْفَقْرِ

است (٧) و به تو پناه می‌آوریم از سرزنش دشمنان و از احتیاج به

إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَمَيْتَةٍ عَلَى

هم نوعان، و از معیشت در سختی، و از مرگ

غَيْرِ عُدَّةٍ؛ ﴿٨﴾ وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعَظْمَى،

بدون توشه. (٨) و به تو پناه می‌آوریم، از حسرت عظیم‌تر

وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَأَشَقَى الشَّقَاءِ، وَسَوْءِ

و بلای بزرگ‌تر، و بدترین بدبختی و بدی

الْمَأْبِ، وَحِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَحُلُولِ الْعِقَابِ.

بازگشت، و محرومیت از ثواب، و داخل شدن مجازات.

﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنْ

(٩) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و مرا و تمام

كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ، وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

مؤمنین و مؤمنات را به رحمتت از همه این امور زشت

وَالْمُؤْمِنَاتِ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پناه ده، ای مهربان‌ترین مهربانان!





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِشْتِيَاقِ إِلَى طَلَبِ

دعای امام سجاد علیه السلام در شوق به طلب

## الْمَغْفِرَةِ، مِنْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ

آمرزش از خدای بزرگ

﴿١﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَيِّرْنَا إِلَى

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و راه ما را به جانب توبه که

مَحْبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ، وَأَزِلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنْ

محبوب توست تغییر ده، و وجودمان را از پافشاری بر گناه که مورد نفرت

الِإِصْرَارِ.

توست، دور ساز.

﴿٢﴾ اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينِ

(۲) خدایا! هر گاه در ارتباط با دین یا دنیا، میان دو کاهش قرار

أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً،

گرفتیم، کاهش را بر دنیایمان که زودتر از دست می‌رود، وارد کن، و

وَ اجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً؛ ﴿٣﴾

توبه و انابه را در دینمان که با دوام‌تر است قرار ده.

وَ إِذَا هَمَّ مَنَابِهَمَيْنِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا،

و زمانی که دو برنامه را قصد کردیم که یکی از آنها تو را از ما خشنود می‌کند،





وَيْسُخِطُكَ الْآخِرُ عَلَيْنَا، فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ  
و آن دیگری تو را بر ما خشمگین می‌سازد، ما را به جانب آن کاری که تو را از ما  
عنا، وَاوْهِن قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا،  
خشنود می‌کند، رغبت ده، و قدرت و توانمان را از عملی که تو را بر ما خشمگین  
وَلَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفُوسِنَا وَ اِخْتِيَارِهَا، فَانْهَآ  
می‌کند، سست کن و در این امور ما را میان نفوسمان و انتخابشان رها مکن که  
مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ، أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ  
نفس انتخاب کننده باطل است، مگر آن که تو در انتخاب حق توفیقش دهی، و  
إِلَّا مَا رَحِمْتَ.

فراوان دستور دهنده به زشتی و بدی است، مگر آن که رحمتش آری.

﴿٤﴾ اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا،  
(۴) خدایا! ما را از ناتوانی آفریدی،

وَعَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَمِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا،  
و بر سستی بنا کردی، و از آب ناچیز و بی‌مقدار به وجود آوردی؛  
فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ؛  
پس ما را جز به نیروی تو چاره و تدبیر نیست، و جز به یاریت قوت و قدرت نمی‌باشد؛

فَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَسَدَّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ، وَأَعْمِ  
پس ما را به توفیقت نیرو بخش و به هدایتت استوار دار، و دیده قلوبمان  
أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ، وَلَا تَجْعَلْ  
را از آنچه مخالف عشق توست کور کن، و برای هیچ یک از



لِشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نَفُودًا فِي مَعْصِيَتِكَ.

اعضای ما راه نفوذی به جانب معصیتت قرار مده.

﴿٥﴾ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(٥) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و رازهای دلمان

هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَ حَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا،

و حرکات اعضامان، و نگاههای چشم‌هایمان، و گفتارهای

وَلَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَلَهْجَاتِ السِّنِّتِنَا فِي مَوْجِبَاتِ

زبانمان را در موجبات ثوابت قرار ده، تا جایی که کار نیکی

ثَوَابِكَ، حَتَّى لَا تَفُوتَنَا حَسَنَةٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا

که به خاطر آن مستحق پاداش تو می‌شویم، از دست ما

جَزَاءُكَ، وَلَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا

نرود و کار بدی که به سبب آن سزاوار مجازاتت می‌شویم،

عِقَابِكَ.

برای ما ماند.





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ فِي اللَّجَائِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

دعای امام سجاد علیه السلام در پناه بردن به خداوند متعال

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ إِنْ تَشَاءُ تَعْفُ عَنَّا فَبِضْلِكَ، وَإِنْ تَشَاءُ

(۱) خدایا! اگر بخواهی ما را عفو کنی، به فضل و احسانت عفو می‌کنی، و اگر

تُعَذِّبْنَا فَبِعَذَابِكَ، فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَتِّكَ،

بخواهی عذابمان کنی، به عدالتت عذاب می‌کنی. عفو را از سر منتت بر ما آسان

وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ، فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ

کن، و ما را به چشم پوشی و گذشتت، از عذابت پناه ده. مسلماً ما را نسبت به

لَنَا بِعَذَابِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِّنَّا دُونَ عَفْوِكَ؛ ﴿۲﴾

عدالتت تاب و توان نیست، و برای احدی از ما بدون عفو، نجاتی میسر نمی‌باشد.

يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ،

(۲) ای بی‌نیازترین بی‌نیازان! اینک ما بندگان پیش روی توایم، و من تهیدست‌ترین

وَإِنَّا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوَسْعِكَ،

تهیدستان در پیشگاه توام. تهیدستی و نداری ما را، به تواناییت جبران کن، و امید ما

وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشْقَيْتَ

را به بازدارندگی قطع مفرما! که اگر چنین کنی، به تحقیق کسی که خود را به تو

مَنْ اسْتَسْعَدَ بِكَ، وَحَرَمْتَ مَنْ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ،

خوشبخت خواسته، بدبخت کرده‌ای، و آن که فضل و احسانت را طلبیده، محروم



فَالِي مَنْ حِينِيذٍ مُنْقَلَبِنَا عَنْكَ؟! وَإِلَىٰ أَيْنَ مَذْهَبِنَا

ساخته‌ای. در این وقت از پیشگاه تو، به سوی چه کسی بازگردیم و با محرومیت از

عَنْ بَابِكَ؟! ﴿٣﴾ سُبْحَانَكَ، نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ

در رحمت، راه ما به کجا خواهد افتاد؟ (۳) پاک و منزهی. ما درماندگانی هستیم

أَوْجَبَتْ إجابَتَهُمْ، وَأَهْلُ السَّوِّ الَّذِينَ وَعَدْتَ

که پذیرش دعایشان را واجب کرده‌ای، و گرفتارانی هستیم که برطرف کردن گرفتاری

الْكَشْفِ عَنْهُمْ، وَأَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ، وَأَوْلَىٰ

آنان را وعده فرموده‌ای. خدایا! شبیه‌ترین چیزها به خواسته‌ات و سزاوارترین امور به

الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ، رَحْمَةٌ مِنْ أَسْتَرْحَمَكَ،

حضرت، در عرصه عظمت و بزرگیت، رحمت آوردن بر کسی است که از تو رحمت

وَعَوْتُ مِنْ اسْتَعَاثَ بِكَ، فَأَرْحَمُ تَضَرُّعِنَا إِلَيْكَ،

خواسته، و فریادرسی نسبت به کسی است که به تو فریاد خواهی کرده، پس زاری ما

وَأَعْنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ.

را به پیشگاهت رحمت آر و به فریاد ما رس؛ چون وجودمان را در برابرت انداخته‌ایم.

﴿٤﴾ اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شِمِتَ بِنَا إِذْ شَاعِنَاهُ عَلَيَّ

(۴) خدایا! شیطان ما را سرزنش کرد؛ چون او را در نافرمانیت همراهی کردیم. پس بر

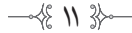
مَعْصِيَتِكَ؛ فَضَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَشْمِتْهُ

محمد و آلش درود فرست، و پس از این که او را به خاطر تو رها کردیم و از او روی

بِنَا بَعْدَ تَرْكِنَا إِلَيْهِ لَكَ، وَرَغِبْنَا عَنْهُ إِلَيْكَ.

گردانده، به سوی تو آمدیم، وی را با دوباره گرفتار شدن به دست او شیرین کام مکن.





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ

دعای امام سجاد علیه السلام در طلب عاقبت به خیری

﴿۱﴾ يَا مَنْ ذَكَرَهُ شَرَّفَ لِلذَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ شُكِرَهُ

(۱) ای آن که یادش، برای یادکنندگان مجد و بزرگواری است، و ای آن که سپاس

فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ طَاعَتْهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ،

گزاریش، برای سپاس گزاران پیروزی و رستگاری است، و ای آن که فرمان برداریش

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ

برای فرمانبرداران، نجات و رهایی است! بر محمد و آلش درود فرست، و دل‌های

عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَالسِّدْتَنَا شُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ،

ما را به یادت از هر یاد، و زیباتمان را به سپاس گزاریت از هر سپاسی،

وَجَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ؛ ﴿۲﴾ فَإِنْ

و اعضمان را به طاعتت از هر طاعتی غافل کن. (۲) و اگر

قَدَّرْتَ لَنَا فِرَاغًا مِنْ شُغْلٍ، فَاجْعَلْهُ فِرَاغَ سَلَامَةٍ

در جنب کار و کوشش، فراغت و آسایشی برای ما مقدر فرموده‌ای، آن فراغت و آسایش را

لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبَعَةٌ، وَلَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمَةٌ، حَتَّىٰ

قرین سلامت قرارده که در عرصه گاه آن، پی آمد بدی به ما نرسد، و ملالت و دل‌تنگی به ما

يَنْصَرِفَ عَنَّا كِتَابُ السَّيِّئَاتِ، بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ

نیبوندد، تا فرشتگان نویسنده بدی‌ها، با پرونده‌های پاک و خالی



مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَيَتَوَلَّى كِتَابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا

از ثبت بدی‌های ما برگردند، و فرشتگان نویسنده خوبی‌ها،

مَسْرُورِينَ، بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا؛ ﴿۳﴾ وَإِذَا

به سبب خوبی‌هایی که از ما نوشته‌اند، خوشحال و شادان باز آیند. (۳) و

انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَتَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا،

هنگامی که روزگار زندگی‌مان سپری شود، و مقدار عمرمان بگذرد و به پایان برسد

وَاسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَمِنْ

و دعوتت به مرگ که چاره از آن و اجابتش نیست، ما را آماده افتادن

إِجَابَتِهَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ خِتَامَ

به کام مردن کند. پس بر محمد و آلش درود فرست، و پایان آنچه نویسنندگان

مَا تَحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَةَ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً،

اعمال ما در پرورده ما خواهند نوشت، توبه پذیرفته شده قرار بده،

لَا تَوْفِقُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَلَا مَعْصِيَةٍ

توبه‌ای که پس از آن ما را بر گناهی که کسب کرده‌ایم و معصیتی که مرتکب شده‌ایم،

اِقْتَرَفْنَاهَا. ﴿۴﴾ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِرَّ اسْتِرْتَهَ عَلَى

نایستانی. (۴) و پرده‌ای که بر ما پوشاندی، در برابر حاضران روز قیامت، از روی

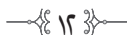
رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلَوْا خَبَارَ عِبَادِكَ؛ إِنَّكَ

گناهان ما بر نداری، روزی که خبرهای بندگان را آشکار می‌کنی. مسلماً تو نسبت به

رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَمُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.

کسی که می‌خواندت، مهربانی و نسبت به کسی که صدایت می‌زند، جواب دهنده‌ای.





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِرَافِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در اعتراف به گناه

## وَطَلَبِ التَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

و درخواست بازگشت به حق



﴿۱﴾ اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسَالَتِكَ خِلَالَ

(۱) خدایا! مسلماً سه خصلت، مرا از درخواست از حضرتت مانع می‌شود، و يك

ثَلَاثٌ، وَ تَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ؛

خصلت، مرا به جانب درخواست از تو پیش می‌برد. (آن سه خصلتی که مانع درخواست

يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَاسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا

من می‌باشد این است: ۱- کار خوبی که مرا به آن فرمان دادی، و من در انجامش کندی

نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَاسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا

کردم. ۲- کار زشتی که مرا از آن بازداشتی، و من در ارتکابش شتاب ورزیدم. ۳- نعمتی

عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا.

که به من دادی، و من در سپاس گزاریش کوتاهی کردم.

﴿۲﴾ وَيَحْدُونِي عَلَى مَسَالَتِكَ، تَفَضَّلَكَ عَلَيَّ مِنْ

(۲) آنچه مرا به جانب درخواست از تو پیش می‌برد، احسان توست به کسی که بانیت

أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَ وَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ، إِذْ

خالص به سوی تو آمد، و باخوش گمانیش به پیشگاه حضرتت وارد شد؛ زیرا امام احسانت

جَمِيعِ إِحْسَانِكَ تَفَضُّلٌ، وَإِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ؛

تفضل و همه نعمت، آغاز و ابتدایی از جانب تو نسبت به آفریده‌هاست.

﴿۳﴾ فَهَا أَنَا ذَا - يَا إِلَهِي - وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّكَ،

(۳) ای معبود من! اینک منم که به پیشگاه عزت ایستاده‌ام؛

وُوقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِيلِ، وَ سَائِلُكَ عَلَى

ایستادن فرمان‌بردار خوار، و بر اساس حیا و شرمم

الْحَيَاءِ مِنِّي سُؤَالَ الْبَائِسِ الْمُعِيلِ، مُقِرُّكَ

از تو درخواست کننده‌ام، درخواست کننده بی‌نوی عیال‌وار. اقرار دارم

بِأَنِّي لَمْ أَسْتَسْلِمِ وَقْتِ إِحْسَانِكَ، إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنِ

به این که هنگام احسانت، جز برکنار ماندن از

عِصْيَانِكَ، وَ لَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ

نافرمانیت، فرمانی نبرده‌ام، و در تمام حالات از نیکی و احسانت،

امْتِنَانِكَ؛ ﴿۴﴾ فَهَلْ يَنْفَعُنِي - يَا إِلَهِي - إِقْرَارِي

بی‌بهره نبودم. (۴) ای معبود من! اقرارم نزد تو به زشتی اعمالی که

عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يُنْجِينِي

مرتکب شده‌ام، آیا برایم سودی خواهد داشت؟ و اعترافم به محضر

مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ، بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ، أَمْ

حضرتت به بدی کرداری که از من صادر شده، آیا مرا از عذاب تو نجات خواهد داد؟

أَوْ جَبَّتْ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطُكَ، أَمْ لَزِمَنِي

یا در این وضعی که هستم، خشم و غضبت را بر من حتم و واجب نمودی،





## فِي وَقْتِ دُعَايِ مَقْتِكَ؟

یا در وقت درخواستم، دشمنیت ملازم من گشته؟!

﴿۵﴾ سُبْحَانَكَ، لَا أَيْسُ مِنْكَ، وَقَدْ فَتَحْتَ لِي

(۵) پاک و منزهی، از تو ناامید نمی‌شوم و حال آن که در توبه به محضرت

بَابِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ، بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ

را به رویم گشوده‌ای؛ بلکه سخن می‌گویم، سخن بنده‌ای خوار؛ بنده‌ای

الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ، الْمُسْتَخْفِ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ،

ستم کننده به خویش؛ بنده‌ای که حرمت پروردگارش را سبک شمرده؛

الَّذِي عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ، وَأَدْبَرَتْ أَيَّامُهُ

بنده‌ای که گناهانش بزرگ شده و روی هم انباشته گشته و روزگارش از او روی گردان

فَوَلَّتْ، حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ،

شده، و به او پشت کرده، تا جایی که چون نظر می‌کند، می‌بیند زمان عمل سپری

وَعَايَةَ الْعُمْرِ قَدْ انْتَهَتْ، وَآيِقُنَ أَنَّهُ لَا مَحِيصَ لَهُ

شده، و نهایت عمر به پایان رسیده. یقین می‌کند که برای او گریزگاهی از عذابت، و

مِنْكَ، وَلَا مَهْرَبَ لَهُ عَنكَ، ﴿٦﴾ تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ،

پناهگاهی از کیفیت وجود ندارد. (۶) همراه انابه و ناله با حضرتت روبه‌رو می‌شود

وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبِ طَاهِرٍ

و بازگشت و توبه را برای تو خالص می‌کند، پس با دلی پاک و پاکیزه در پیشگاهت

نَقِيٍّ، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتِ حَائِلٍ خَفِيِّ، قَدْ تَطَاطَأَ

می‌آیستد. سپس با ناله‌ای سوزناک و آهسته تو را می‌خواند. در جائی که در برابرت،



لَكَ فَانْحِنِي، وَنَكَّسْ رَأْسَهُ فَاثْنِي، قَدْ

سر تواضع و فروتنی پایین انداخته، تا جایی که خمیده گشته و از خواری سر به زیر

آرَعَشْتَ خَشِيئَتَهُ وَرَجَلِيهِ، وَغَرَّقْتَ دُمُوعَهُ

افکنده؛ به طوری که قامت راستش کج شده، بیم و ترسش از عظمت تو، قدم‌هایش

خَدَّيْهِ، يَدْعُوكَ بِيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ

را به لرزه انداخته، و اشک‌هایش صفحه رخسارش را فراگرفته. تو را با این جملات

مَنْ اتَّابَهُ الْمُسْتَرْحِمُونَ، وَيَا أَعْطَفَ مَنْ

می‌خواند: ای مهربان‌ترین مهربانان! و ای رحیم‌ترین کسی که درخواست کنندگان

أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، وَيَا مَنْ عَفُوهُ أَكْثَرُ

رحمت به او توجّه می‌کنند، و ای عطوف‌ترین کسی که آمرزش خواهان گرد او گردند،

مِنْ نَقْمَتِهِ، وَيَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ،

و ای آن که گذشتش از انتقامش بیشتر، و خشنودیش از خشمش افزون‌تر است.

﴿٧﴾ وَيَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ،

(٧) و ای آن که باگذشت نیکویش ستوده بودنش را به مخلوقش

وَيَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ، وَيَا مَنْ

می‌نمایاند، و بندگان را به پذیرفتن توبه عادت می‌دهد،

اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ، وَيَا مَنْ رَضِيَ مِنْ

و اصلاح شدن تباه کاری‌شان را به توبه می‌خواهد، و ای آن که از عمل

فِعْلِهِم بِالْيَسِيرِ، وَيَا مَنْ كَفَى قَلِيلَهُمْ بِالكَثِيرِ،

بندگان، به اندکش خشنود است، و عمل اندک آنان را پاداش فراوان می‌دهد.



وَيَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إجابةَ الدُّعَاءِ، وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ  
و ای آن که اجابت دعایشان را ضامن شده، و به احسانش،  
عَلَى نَفْسِهِ بِتَفْضُلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ.

پاداش نیکو را به آنان وعده داده.

(۸) مَا أَنَا بِأَعْصَىٰ مَن عَصَاكَ فَغَفَرْتَ لَهُ،

(۸) خدایا! من نه از گناهکارترین گناهکارانم که او را آمرزیده‌ای، و نه از نکوهیده‌ترین

وَمَا أَنَا بِالْوَمِّ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ،

کسانی که از پیشگاهت عذر خواسته‌اند، و تو عذرشان را پذیرفته‌ای، و نه از

وَمَا أَنَا بِأَظْلَمَ مَن تَابَ إِلَيْكَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ.

ستم‌کارترین کسانی که به سویت بازگشته‌اند، و تو بازگشتشان را قبول کرده‌ای.

(۹) أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا، تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَىٰ مَا

(۹) خدایا! در این مقام و وضعی که هستم، به درگاهت توبه می‌کنم؛ توبه

فَرَطٌ مِنْهُ، مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ، خَالِصِ

پشیمانی که بی اختیار گناهی از او سرزده و از آنچه بر سرش آمده، در وحشت

الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ، عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ

و ترس است، و از امور زشتی که در آن افتاده خالصانه شرمگین است. دانایم به

الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاطَمُكَ، ﴿۱۰﴾ وَأَنَّ التَّجَاوُزَ عَنِ

این که گذشت از گناه بزرگ، در نظرت بزرگ نمی‌آید، (۱۰) و بخشیدن معصیت

الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَصْعِبُكَ، وَأَنَّ احْتِمَالَ

گران بر تو سخت نمی‌باشد. و تحمل جنایات زشت و ناپسند که از مردم بدکار



الْجِنَايَاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَتَكَادُكَ، وَأَنَّ أَحَبَّ

صادر می شود، تو را به مشقت و زحمت نمی اندازد. و آگاهم به این که محبوب ترین

عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ،

بندگانند نزد تو کسی است که از سرکشی و تکبر نسبت به تو دست بردارد، و از

و جَانِبِ الْإِصْرَارِ، وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ؛ ﴿۱۱﴾ وَأَنَا

پافشاری بر گناه اجتناب کند و استغفار را بر خود واجب بداند. (۱۱) من از

أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ،

این که در برابر تو سرکشی کنم بیزارم، و از این که بر گناه پافشاری ورزم، به

وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَّرْتُ فِيهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيَّ

تو پناه می آورم، و نسبت به آنچه کوتاهی کردم، از تو آموزش می خواهم، و

مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.

بر آنچه از انجامش عاجزم، از تو یاری می طلبم.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي

(۱۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و حقوقی که بر عهده من

مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَكَ، وَعَافِنِي مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ،

داری بر من ببخش، و از عذابی که از جانب تو سزاوار آنم، مرا به سلامت

وَأَجِرْنِي مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءَةِ، فَإِنَّكَ مَلِيٌّ

دار، و از اموری که بدکاران از آن می ترسند پناهم ده. مسلماً به گذشت

بِالْعَفْوِ، مَرَجُوهٌ لِلْمَغْفِرَةِ، مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ، لَيْسَ

از گنهکار قدرت داری و برای آموزش، مورد امیدی، به بخشیدن معصیت



لِحَاجَتِي مَطْلَبٌ سِوَاكَ، وَلَا لِذَنْبِي غَافِرٌ غَيْرُكَ،

معروفی، برای حاجتم محلّ طلبی جز تو نیست، و برای گناهم، آمرزنده‌ای

حَاشَاكَ وَلَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ؛ إِنَّكَ

غیر تو وجود ندارد. حاشا که چنین نباشی، من بر خود به غیر تو نمی‌ترسم. تو

أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ؛ ﴿۱۳﴾ صَلِّ عَلَيَّ

اهل تقوا و آمرزشی. (۱۳) بر محمد و آل محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْضِ حَاجَتِي، وَأَنْجِحْ

درود فرست. و حاجتم را روا کن و خواسته‌ام را برآور

طَلِبَتِي، وَاغْفِرْ ذَنْبِي، وَأَمِنْ خَوْفِ نَفْسِي؛

و گناهم را بیامرز، و ترسم را ایمنی ده. همانا تو بر هر چیز توانایی، و اموری

إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.

که از تو خواستم، روا کردنش برای تو آسان است. دعایم را مستجاب کن

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان!





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

دعای امام سجاد علیه السلام در درخواست نیازمندی‌ها از خداوند متعال

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ، وَيَا

(۱) خدایا! ای نهایت خواستن حاجات،

مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ، وَيَا مَنْ لَا يَبِيعُ

و ای آن که رسیدن به تمام خواسته‌ها به دست قدرت اوست، و ای آن که

نِعْمَهُ بِالْإِثْمَانِ، وَيَا مَنْ لَا يُكْدِرُ عَطَايَاهُ

نعمت‌هایش را به بها و قیمت نمی‌فروشد، و ای آن که بخشش‌هایش را،

بِالْإِمْتِنَانِ، وَيَا مَنْ يُسْتَعْفَى بِهِ وَلَا يُسْتَعْفَى

به منت گذاشتن، تیره و ناصاف نمی‌کند، و ای آن که به او بی‌نیاز می‌شود،

عَنْهُ، وَيَا مَنْ يُرْغَبُ إِلَيْهِ وَلَا يُرْغَبُ عَنْهُ،

و از او بی‌نیاز نمی‌شوند، و ای آن که به او رغبت می‌کنند، و از او

وَيَا مَنْ لَا تُفْنَى خَزَائِنُهُ الْمَسَائِلُ، وَيَا مَنْ

روی برنتابند، و ای آن که درخواست‌ها، گنج‌هایش

لَا تُبَدَّلُ حِكْمَتُهُ الْوَسَائِلُ، وَيَا مَنْ لَا تَقْطَعُ

را از بین نمی‌برد، و دست آویزها، حکمتش را تغییر نمی‌دهد،

عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ، وَيَا مَنْ لَا يُعْنِيهِ دُعَاءُ

و رشته حوائج نیازمندان از او قطع نمی‌شود،



## الدَّاعِيْنَ.

و دعای دعا کنندگان او را خسته و درمانده نمی‌کند.

﴿۲﴾ تَمَدَّحْتَ بِالْغِنَاءِ عَنِ خَلْقِكَ، وَأَنْتَ أَهْلُ

(۲) وجودت را به بی‌نیازی از همه آفریده‌ها ستوده‌ای، و حضرتت به بی‌نیازی

الْغِنَى عَنْهُمْ، وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ، وَ هُمْ

از آنها شایسته است. آفریده‌ها را به نیازمندی نسبت داده‌ای، و آنان هم

أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ؛ ﴿۳﴾ فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ

بی‌چون و چرا نیازمند به تو هستند. (۳) پس کسی که ترمیم خلأ و شکاف

مِنْ عِنْدِكَ، وَ رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ،

زندگیش را از تو بخواهد، و تغییر تهیدستی و فقرش را از تو درخواست کند،

فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا، وَ أَتَى طَلِبَتَهُ

محققاً حاجتش را از جایگاه اصل‌اش خواسته و به دنبال مطلبش، از راه

مِنْ وَجْهِهَا؛ ﴿۴﴾ وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ

صحيح و درستش آمده، (۴) و کسی که برای حاجتش به یکی از آفریده‌های

مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نَجْحِهَا دُونَكَ،

تو رو کند، یا او را به جای تو وسیله رسیدن به نیازش قرار دهد، محققاً

فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ، وَ اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ

خود را در معرض محرومیت قرار داده، و سزاوار از دست رفتن احسان تو

فَوْتَ الْإِحْسَانِ.

گشته است.



(۵) اَللّٰهُمَّ وَ لِيْ اِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا

(۵) خدایا! برای من در پیشگاه حضرتت حاجتی است که دست طاقت و توانم، از

جُهِدِيْ ، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيَلِيْ ، وَ سَوَّلَتْ

دست یابی به آن کوتاه است، و رشته چاره‌ام، بدون لطف تو بریده است، و تَفَسَّم

لِيْ نَفْسِيْ رَفَعَهَا اِلَى مَنْ يَّرْفَعُ حَوَائِجَهُ اِلَيْكَ ،

در نظرم چنین آراسته که رفع نیازم را از کسی بخوام که رفع نیازهایش را از تو

وَلَا يَسْتَعْنِيْ فِيْ طَلِبَاتِهِ عَنكَ ، وَ هِيَ زَلَّةٌ مِّنْ

می‌خواهد، و در حاجاتش از تو بی‌نیاز نیست. این درخواست حاجت از غیر تو

زَلَلِ الْخَاطِئِيْنَ ، وَ عَثْرَةٌ مِّنْ عَثْرَاتِ الْمُنْذِبِيْنَ ؛

لغزشی است، از لغزش‌های خطاکاران، و افتادنی است، از افتادن‌های گناهکاران.

(۶) ثُمَّ اَنْتَبَهْتُ بِتَذْكِيْرِكَ لِيْ مِّنْ غَفْلَتِيْ ،

(۶) آن گاه به یادآوری تو، از خواب غفلت بیدار شدم و به توفیق تو از عرصه گاه

وَنَهَضْتُ بِتَوْفِيْقِكَ مِنْ زَلَّتِيْ ، وَ رَجَعْتُ وَ نَكَصْتُ

لغزشم برخاستم و به راهنمایی تو از افتادنم به وادی خطر پس آمدم، و از

بِتَسْذِيْدِكَ عَنْ عَثْرَتِيْ ، وَ قُلْتُ : سُبْحَانَ رَبِّيْ ،

علل در افتادن به گمراهی دست برداشتم، و گفتم: منزه و پاک است پروردگارم،

كَيْفَ يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا؟ وَ اَنْنِيْ يَرِغْبُ مُعْدِمٌ

چگونه نیازمندی از نیازمند دیگر طلب حاجت کند، و از کجا تهی دستی به

اِلَى مُعْدِمٍ؟ (۷) فَقَصَدْتُكَ - يَا اِلٰهِيْ - بِالرَّغْبَةِ ،

تهی دستی دیگر میل و رغبت نشان دهد؟! (۷) روی این حساب، با اشتیاق و





وَأَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثِّقَّةِ بِكَ، وَعَلِمْتُ

شوق، آهنگ تو کردم، و از باب اطمینان به تو، امیدم را به جانب حضرتت آوردم،

أَنَّ كَثِيرًا مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرًا فِي وُجْدِكَ، وَأَنَّ

و دانستم آنچه را از تو می‌خواهم، هر چند زیاد باشد، در کنار دارایت اندک

خَطِيرًا مَا أَسْتَوْهَبُكَ حَقِيرًا فِي وَسْعِكَ، وَأَنَّ

است، و چیزهای با ارزشی که بخشش را از تو درخواست می‌کنم، در جنب

كَرَمِكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ أَحَدٍ، وَأَنَّ

توانایت کوچک و بی‌مقدار است، و دایره کرم و بزرگواریت با تقاضای هیچ کس

يَدُكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ.

تنگ نمی‌شود، و دست بخشندگیت از هر دستی برتر است.

(۸) اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ، وَاحْمِلْنِي

(۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به کرم و بزرگواریت بر دست یافتن به

بِكْرَمِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ، وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَيَّ

احسانت کمک فرما، و از باب عدالتت بر کیفری که سزاوار آنم دچار مکن. من اولین

الْإِسْتِحْقَاقِ؛ فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ

رغبت کننده‌ای نیستم که به حضرتت رو آورده، پس به او عطا کرده‌ای، و حال آن که

فَاعْطَيْتَهُ، وَهُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنَعَ، وَلَا بِأَوَّلِ سَائِلٍ

سزاوار ممنوع شدن از عطایات بوده، و اولین خواهنده‌ای نیستم که از تو طلب حاجت

سَأَلْتُكَ فَأَفْضَلْتَ عَلَيْهِ، وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ.

کرده و تو بر او احسان کرده‌ای در حالی که مستحق محرومیت از احسان توست.



﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكُنْ لِدُعَائِي

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مستجاب کننده

مُجِيبًا، وَمِنْ نِدَائِي قَرِيبًا، وَلِتَضَرُّعِي رَاحِمًا،

دعایم باش و به ندایم توجه کن، و به زاریم رحمت آر،

وَلِصَوْتِي سَامِعًا؛ ﴿١٠﴾ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ،

و صدایم را شنو باش، (۱۰) و امیدم را از حضرتت قطع مکن،

وَلَا تَبْتَسِبْ سَبَبِي مِنْكَ، وَلَا تُوجِّهْنِي فِي حَاجَتِي،

و دست آویز مرا از خود جدا مساز، و در این حاجتم و دیگر حوایجم،

هَذِهِ وَغَيْرِهَا إِلَى سِوَاكَ؛ ﴿١١﴾ وَتَوَكَّلْنِي بِنُجْحِ

مرا به سوی غیر خودت روانه مکن، (۱۱) و به برآورده شدن

طَلِبَتِي، وَقَضَاءِ حَاجَتِي، وَنَيْلِ سُؤْلِي، قَبْلَ

خواستهام، و روا شدن حاجتم و رسیدن به مطلبم، پیش از

زَوَالِي عَنِ مَوْقِفِي هَذَا، بِتَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرِ،

برخاستن از جایم و با آسان ساختن مشکلم و با سرنوشت خوبی که

وَحُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ؛ ﴿١٢﴾ وَصَلِّ

در تمام امور برایم رقم می‌زنی، کار ساز من باشد. (۱۲) و بر محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً، لِأَنْقِطَاعِ

و آلش درود فرست؛ درودی دائمی و فزاینده که برای مدتش

لِأَبْدِهَا، وَلَا مُنْتَهَى لِأَمْدِهَا؛ وَاجْعَلْ ذَلِكَ

انقطاعی، و برای زمانش پایانی نباشد. این درود را برایم مدد، و



عَوْنَالِي، وَسَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي؛ إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ

جهت برآورده شدن حاجتم سبب قرار ده؛ همانا تو واسع و کریمی

وَمِنْ حَاجَتِي- يَا رَبِّ- كَذَا وَكَذَا،...

و ای پروردگارم! از جمله درخواست‌هایم چنین و چنان است.

(وَتَذَكَّرُ حَاجَتَكَ، ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ:)

(و نیاز به درخواست را می‌گویی، سپس به سجده می‌روی، و در سجده‌ات می‌گویی:)

فَضْلِكَ أَسْنَى، وَإِحْسَانِكَ دَلْنِي، فَاسْأَلُكَ بِكَ

عطا و بخشش به من آرامش می‌دهد، و احسانت راهنماییم می‌کند. به حق خودت و به حق

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ- صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ- أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا.

محمد و آلش که درودت بر آنان باد، از تو می‌خواهم که مرا از پیشگاهت ناامید برنگردانی.





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَدَى عَلَيْهِ،

دعای امام سجاد علیه السلام هرگاه ستمی به او می‌رسید

### أَوْ رَأَى مِنَ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ

یا از ستمگران چیزی را که خوش نداشت می‌دید

﴿۱﴾ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ،

(۱) ای آن که اخبار شاکیان از ستم بر او پنهان نیست! و ای آن که نسبت

وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ

به ستمی که بر ستم دیدگان رفته، نیاز به شهادت شاهدان ندارد! و ای آن

الشَّاهِدِينَ، وَيَا مَنْ قَرَّبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ المَظْلُومِينَ،

که یاری و نصرتش به ستم دیدگان نزدیک، و مددکاریش از ستمگران دور است!

وَيَا مَنْ بَعْدَ عَوْنِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ، ﴿۲﴾ قَدْ عَلِمْتَ

(۲) ای خدای من! محققاً می‌دانی، از فلانی فرزند فلانی ستمی به من رسیده که او را از آن

يَا إِلَهِي - مَا نَالَنِي مِنْ (فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ) مِمَّا حَظَرْتَ،

ستم نهی کردی، و پرده حرمتم را دریده که دریدنش را بر او منع فرمودی. این ستمگری

وَانتَهَكَهُ مِنِّي مِمَّا حَجَزْتَ عَلَيْهِ، بَطْرًا فِي

و پرده‌داری، از باب طغیان در نعمت توست که در اختیار اوست، و براساس غفلت و

نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ، وَاغْتِرَارًا بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ.

بی‌اعتنائی به خشم و غضب توست که گریبان او را خواهد گرفت.



(۳) اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخُذْ

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ستم‌کننده بر من و دشمنم را با نیرویت از

ظالمی و عدوی عن ظلمی بِقُوَّتِكَ،

ستم بر من بازدار، و با قدرتت تندی و تیزی ستمش را بر من بشکن، و برایش در آنچه

وَ أَفْلُحْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ، وَ اجْعَلْ لَهُ

که دوست دارد، مشغولیت و سرگرمی قرار ده، تا از ستم ورزی غافل گردد، و بر وجودش

شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَ عَجْرًا عَمَّا يَنْوِيهِ.

در برابر مظلومی که به دشمنی برمی‌خیزد، داغ عجز و ناتوانی زن.

(۴) اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُسَوِّغْ

(۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست. و ستم کار را رخصت

لَهُ ظَلْمِي، وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي، وَ اعْصِمْنِي

ستم بر من مده، و یاریت را نسبت به من، در برابر او نیکو

مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ.

قرار ده، و مرا از دست زدن به کارهایی مانند کار او حفظ کن.

(۵) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَعِدْنِي

و در حالتی مانند حال او قرار مده. (۵) خدایا! بر محمد و آلش

عَلَيْهِ عَدُوِّي حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيظِي بِهِ

درود فرست و مرا بر دشمنم یاری ده؛ یاری دادن بی‌درنگی که خشمم را

شِفَاءً، وَ مِنْ حَنْقِي عَلَيْهِ وَفَاءً.

نسبت به او شفا، و کینه‌ام را در برابر او وفا باشد.



(۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَوِّضْنِي

(۶) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و عفو و بخشش را، در برابر ستمی

مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوِكَ، وَأَبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِي

که دشمن به من روا می‌دارد عوض ده و به جای رفتار بدش نسبت به من،

رَحْمَتِكَ، فَكُلُّ مَكْرُوهِ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ،

رحمتت را قرار ده، پس هر شدتی ورای خشم تو ناچیز، و هر بلایی با وجود

وَ كُلُّ مَرَزِيَّةٍ سِوَاءٍ مَعَ مَوْجِدَتِكَ.

غضب تو معتدل است.

(۷) اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرَّهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ،

(۷) خدایا! همان طور که ستم کردن دیگران را بر من در نظرم ناخوشایند

فَقِنِي مِنْ أَنْ أُظْلِمَ.

جلوه دادی، مرا از این که بر دیگران ستم ورزم حفظ فرما.

(۸) اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَيْكَ إِحْدَ سِوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِينُ

(۸) خدایا! به کسی غیر تو شکایت نمی‌کنم، و از هیچ حاکمی غیر

بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

تو یاری نمی‌خواهم؛ حاشا که چنین کنم. پس بر محمد و آلش درود

وَآلِهِ، وَصِلْ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَاقْرِنْ شِكَايَتِي

فرست و دعایم را به اجابت برسان، و شکایتم را به تغییر وضع فعلی‌ام

بِالتَّغْيِيرِ

مقرون ساز.



﴿٩﴾ اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِي بِالْقَنُوطِ مِنْ إِنْصَافِكَ،

(۹) خدایا! مرا به ناامیدی از عدل و انصاف آزمایش نکن، و دشمن را به

وَلَا تَفْتِنَهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيُضِرَّ عَلَيَّ

ایمنی از کيفرت امتحان مفرما تا بر ستمش نسبت به من پافشاری کند، و

ظُلْمِي، وَيُحَاضِرُنِي بِحَقِّي، وَعَرَفَهُ عَمَّا قَلِيلٍ

بر حَقم چیره شود، و به زودی او را به عذابي که ستمکاران را به آن تهدید

مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ، وَعَرَفَنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ

کردی آشنا کن، و مرا با اجابتي که نسبت به دعای بیچارگان وعده

إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ.

دادی آگاه فرما.

﴿١٠﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّفْنِي

(۱۰) خدایا! بر مُحَمَّد و آلش درود فرست، و مرا به پذیرفتن هر سود و زیانی که

لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ، وَرَضِّنِي بِمَا أَخَذْتَ

برایم مقدور کرده‌ای موفق دار، و مرا به آنچه از دیگری برای من، و از من برای

لِي وَمِنِّي، وَاهْدِنِي لِلتِّي هِيَ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمَلْنِي

دیگری می‌ستایی، خشنود ساز، و به راست‌ترین راه هدایتم کن، و به سالم‌ترین

بِمَا هُوَ أَسْلَمٌ.

برنامه به کارم گمار.

﴿١١﴾ اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي

(۱۱) خدایا! اگر خیر من نزد تو در این است که در گرفتن حَقم تأخیر افتد و



تَأخِيرِ الْأَخْذِ لِي، وَتَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي

انتقام از کسی که به من ستم روا داشته، تا روز جدا شدن حق از باطل و جایگاه

إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ، وَجَمْعِ الْخَصْمِ؛ فَصَلَ عَلَيَّ

گرد آمدن مدعیان متروک گذاشته شود، همان را در حق من عملی فرما. پس بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَيِّدْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ، وَصَبْرٍ

محمد و آلش درود فرست، و مرا از جانب خود، به نیت صادقانه، و پایداری

دَائِمٍ، وَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ، وَهَلَعَ أَهْلَ

همیشگی یاری فرما، و از میل و رغبت بد و بی‌قراری اهل

الْحَرِصِ، وَصَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي

حرص پناه ده و نقشی از ثوابی که برای من ذخیره کرده‌ای،

مِنْ ثَوَابِكَ، وَأَعِدِّتْ لِخَصْمِي مِنْ جَزَائِكَ

و کیفر و عقابی که برای دشمنم مهیا ساخته‌ای، (۱۲) در دلم به تصویر آر، و

وَعِقَابِكَ، ﴿١٢﴾ وَاجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقِنَاعَتِي

آن را وسیله‌ای برای خرسندی و رضایت من نسبت به آنچه که برایم مقدور

بِمَا قَضَيْتَ، وَثِقْتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ.

کرده‌ای، و اطمینان به آنچه که برایم انتخاب فرموده‌ای قرار ده.

﴿١٣﴾ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ

(۱۳) ای پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب کن؛ همانا تو دارای احسان

الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بزرگی و بر هر کاری توانایی.







## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرِضَ،

دعای امام سجاد علیه السلام به وقت بیماری

## أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ بَلِيَّةٌ

یا روی آوردن اندوه و بلا



﴿۱﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ

(۱) خدایا! تو را سپاس بر تندرستی بدنم که پیوسته از

مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحْدَثَتْ

آن برخوردار بودم، و تو را سپاس بر بیماری و مرضی که

بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي؛ ﴿۲﴾ فَمَا أَدْرِي - يَا إِلَهِي -

در جسمم پدید آوردی. (۲) ای خدای من! کدام یک از این دو حال، برای

أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟ وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ

سپاس گزاری به درگاهت سزاوارتر، و کدام یک از این دو وقت، برای سپاس

أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؟ أَوْ قَتُ الصِّحَّةِ الَّتِي هَتَّاتِنِي

و ثنا به پیشگاهت شایسته تر است؟ آیا زمان سلامت که روزی‌های پاکیزه‌ات

فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَّطْتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ

را در آن برایم گوارا فرمودی، و به سبب آن برای به دست آوردن خشنودی و

مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا

احسانت به من نشاط دادی، و مرا همراه آن، بر آنچه که از اطاعتت توفیق

وَقَفَّتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ؟ ﴿٣﴾ أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ

دادی، نیرو بخشیدی. (۳) یا هنگام بیماری که مرا به وسیله آن از ناخالصی‌ها

الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا، وَالنِّعَمَ الَّتِي اتَّحَفْتَنِي بِهَا،

خالص ساختی، و نعمت‌هایی که به من هدیه دادی، برای سبک کردن گناهانی

تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ،

که پشتم را گران و سنگین کرده و پاک کردن زشتی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام،

و تَطْهِيرًا لِمَا انْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ،

و آگاهی دادن برای این که توبه را فراگیرم، و به یاد آوردن نعمت‌های قدیم،

و تَتَبِيهَا لِتَتَاوَلَ التَّوْبَةُ، وَ تَذَكِيرًا لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ

برای محو کردن گناهان بزرگ از پرونده‌ام؟ (۴) و در اثنای آن بیماری، از جمله

بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ؟ ﴿٤﴾ وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ، مَا كَتَبَ لِي

تحفه‌هایی که به من عنایت کردی این است که فرشتگان نویسنده به

الْكَاتِبِينَ مِنْ زَكِيِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ

حساب من اعمال پاکیزه‌ای نوشتند؛ اعمالی که نه دلی در آن فکر کرده، و نه

فِيهِ، وَلَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَلَا جَارِحَةٌ تَكَلَّفَتْهُ،

زبانی به آن گویا شده، و نه عضوی در انجامش رنج برده، بلکه بخششی از

بَلْ أَفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانًا مِنْ صَنِيْعِكَ إِلَيَّ.

جانب تو بر من و احسانی از ساخته تو به سوی من بود.

﴿٥﴾ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ حَبِّبْ

(۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و آنچه را برایم پسندیده‌ای



إِلَى مَا رَضَيْتَ لِي ، وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَلْتَ بِي ،

محبوب من ساز، و آنچه را بر من وارد کرده‌ای آسان کن، و از آلودگی و طهرنی من دَنَسِ ما اَسْلَفْتُ، و اَمَحْ عَنِّي شَرًّا

اعمال زشتی که در گذشته انجام داده‌ام پاکم فرما، و شر آنچه که پیش ما قَدَّمْتُ، و اَوْجِدْنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، و اَذِقْنِي

از این مرتکب شده‌ام، از صفحه وجودم محو کن، و از شیرینی عافیت بَرَدِ السَّلَامَةِ، و اَجْعَلْ مَخْرَجِي عَنِ عَلْتِي اِلَى

کامیابم ساز، و گوارایی تندرستی را به من بچشان، و راه بیرون رفتن از عَفْوِكَ، و مَتَحَوَّلِي عَنِ صَرَعْتِي اِلَى تَجَاوُزِكَ،

بیماریم را به سوی بخشش و عفو و جابه‌جا شدنم را از بستر بیماری و خَلَاصِي مِنْ كَرْبِي اِلَى رَوْحِكَ، و سَلَامَتِي مِنْ

به جانب گذشتت، و نجاتم را از اندوهم به عرصه رحمتت، و تندرستیم را هَذِهِ الشَّدَّةِ اِلَى فَرَجِكَ؛ ﴿٦﴾ اِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ

از این دشواری به دایره گشایشت قرار ده، (٦) همانا تو تَفَضَّلُ كُنْتَهُ بِالْاِحْسَانِ ، اَلْمُتَطَوَّلُ بِالْاِمْتِنَانِ ، اَلْوَهَّابُ

به احسان و عطا کننده به نعمتی، بسیار بخشنده اَلْكَرِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ.

و بزرگواری؛ دارای جلال و اکرامی.



﴿ ۱۶ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ ذُنُوبِهِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در آمرزش خواهی از گناهان،

أَوْ تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ عَنْ عُيُوبِهِ

و زاری در طلب عفو از عیوب

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمَذْنِبُونَ،

(۱) خدایا! ای آن که گنهکاران از رحمتش یاری می‌طلبند،

وَيَا مَنْ إِلَى ذِكْرٍ احْسَانِهِ يَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ، وَيَا

و ای آن که بیچارگان به جانب یاد احسانش پناه می‌برند، و ای آن که

مَنْ لِحَيْفَتِهِ يَتَّحِبُّ الْخَاطِئُونَ؛ ﴿۲﴾ يَا أُنْسَ كُلِّ

خطاکاران از بیم عذابش به شدت گریه می‌کنند! (۲) ای آرامش هر

مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ، وَيَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ

ناآرام غریب! ای گشایش هر اندوهگین دل

كَثِيبٍ، وَيَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ، وَيَا عَضُدَ

شکسته! ای کمک کننده هر خوار شده تنها! و ای یاری دهنده

كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ.

هر نیازمند رانده شده!

﴿۳﴾ أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا،

(۳) تویی که از جهت رحمت و دانش، همه چیز را فرا گرفته‌ای



وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ

و تویی که برای هر آفریده‌ای، سهم و نصیبی از نعمت‌هایت

سَهْمًا، وَأَنْتَ الَّذِي عَفَوَهُ أَعْلَىٰ مِنْ عِقَابِهِ،

قرار داده‌ای، و تویی که عفو و بخشش از عقابش برتر است،

وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَىٰ رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ، وَأَنْتَ

و تویی که رحمتش پیشاپیش غضبش حرکت می‌کند، و تویی که

الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ

عطا و بخشش، از منع کردنش بیشتر است، و تویی که همه آفریده‌ها را

الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا يَرِغَبُ

در سعه رحمتش فرا گرفته، و تویی که هر کسی را نعمت عطا کردی، از او

فِي جَزَاءٍ مَنْ أَعْطَاهُ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُفِرُّ

انتظار پاداش نداری، و تویی که در کیفر کسی که

فِي عِقَابٍ مَنْ عَصَاهُ؛ ﴿٤﴾ وَأَنَا - يَا إِلَهِي -

از تو نافرمانی کرده، از اندازه نمی‌گذری. (۴) و من ای خدای من!

عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالذُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّيْكَ

بنده توام؛ که او را به دعا دستور دادی؛ پس لبیک

وَسَعْدِيكَ؛ هَا أَنَا ذَا - يَا رَبِّ - مَطْرُوحٌ بَيْنَ

و سعدیک گفت. اینک منم ای پروردگارم! که انداخته شده در

يَدَيْكَ؛ ﴿٥﴾ أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ،

برابر توام؛ (۵) منم که خطاها پشتم را سنگین کرده؛



وَأَنَا الَّذِي أَفَنَتِ الدُّنُوبُ عُمُرَهُ، وَأَنَا الَّذِي

و منم که گناهان عمرم را نابود ساخته؛ و منم که به نادانیم، تو را نافرمانی

بِجَهْلِهِ عَصَاكَ، وَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَلِكَ.

کردم، و تو شایسته این نبودی که من این گونه با تو معامله کنم.

﴿٦﴾ هَلْ أَنْتَ - يَا إِلَهِي - رَاحِمٌ مَن دَعَاكَ فَأُبْلِغُ

(٦) ای خدای من! آیا حضرتت به کسی که تو را بخواند، رحم می‌کند، تا در خواندن تو

فِي الدُّعَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ غَافِرٌ لِمَن بَكَكَ فَأَسْرِعَ فِي

اصرار ورزد؟ یا کسی که به درگاهت گریه و زاری کند می‌آمیزی تا در گریه شتاب کند؟

الْبُكَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ

یا گذشت می‌کنی از کسی که از باب فروتنی، صورت به خاک درگاهت سایید؟ یا کسی

تَذَلُّلاً؟ أَمْ أَنْتَ مُغْنٍ مَن شَكَا إِلَيْكَ فَقَرَهُ تَوَكُّلاً؟

که از باب توکل و اعتماد، از تهی دستی خودش به تو شکایت کند، بی‌نیاز می‌سازی؟

﴿٧﴾ إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَن لَا يَجِدُ مُعْطِيًا غَيْرَكَ،

(٧) ای خدای من! کسی را که جز تو عطا کننده‌ای نمی‌یابد، ناامید مکن و

وَلَا تُخَذِّلْ مَن لَا يَسْتَغْنِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ.

کسی را که از تو به احدی غیر تو بی‌نیاز نمی‌شود، خوار و بی‌پار رها مکن.

﴿٨﴾ إِلَهِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُعْرِضْ

(٨) خدای من! بر محمد و آلش درود فرست، در حالی که به تو روی

عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي وَقَدْ

آورد هم، از من روی مگردان و اکنون که به تو رغبت کرده‌ام، مرا از لطف و



رَغِبْتُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْهِنِي بِالرَّدِّ، وَقَدْ انْتَصَبْتُ  
 رَحْمَتَ مَحْرُومٍ مَكْنٍ. اینک که در برابرت قرار گرفته‌ام، دست ردّ به سینهام  
 بَيْنَ يَدَيْكَ.

مزن، و با من برخورد تلخ و بد نداشته باش؛

﴿٩﴾ أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ؛ فَصَلِّ

(۹) تویی که وجود مقدّست را به رحمت وصف کرده‌ای، بر محمّد و آلش

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْنِي، وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ

درود فرست، و به من رحم کن، و تویی که خود را خطابش نامیده‌ای؛

نَفْسِكَ بِالْعَفْوِ، فَأَعْفُ عَنِّي؛ ﴿١٠﴾ قَدْ تَرَى - يَا

بنابراین مرا ببخش (۱۰) ای خدای من! جریان اشکم را به خاطر ترسی که از تو

إِلَهِي - فَيُضِ دَمْعِي مِنْ خَيْفَتِكَ، وَوَجِيبَ

دارم، و لرزیدن دلم را محض خشیتی که نسبت به عظمت تو دارم، و حرکت و تکان

قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَانْتِقَاضَ جَوَارِحِي

اعضایم را در برابر بیمی که از تو دارم مشاهده می‌کنی. (۱۱) همه اینها محصول

مِنْ هَيْبَتِكَ؛ ﴿١١﴾ كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسَوْءِ

شرمساری من از حضرت توست؛ آنهم به خاطر اعمال زشتی که از من سرزده؛ به

عَمَلِي، وَلِلذَلِكَ خَمَدٌ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ،

همین سبب صدایم از این که به درگاهت به زاری بلند شود، خاموش شده و زبانم

وَكَلَّ لِسَانِي عَنِ مُنَاجَاتِكَ.

از راز و نیاز با تو باز مانده.



﴿۱۲﴾ يَا اِلٰهِي فَلَكَ الْحَمْدُ؛ فَكَمْ مِنْ عَابِئَةٍ سَتَرْتَهَا

(۱۲) ای خدای من! تو را سپاس، چه بسیار عیوبی که بر من پوشانیدی، و مرا رسوا

عَلَىٰ فَلَمْ تَفْضَحْنِي! وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ

نکردی، و چه بسیار گناهی که مستور داشتی، و به آنم مشهور نساختی، و چه

فَلَمْ تَشْهَرْنِي! وَكَمْ مِنْ شَائِبَةٍ اَلَمَّتْ بِهَا

بسیار خیانت و نیرنگ و امور هوسناکی که مرتکب شدم، ولی پرده آنها را به

فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا! وَ لَمْ تُقَلِّدْنِي مَكْرُوهُ

خطر حفظ آبرویم ندریدی، و حلقه عار و ننگ آنها را به گردنم نیاویختی، و

شَنَارَهَا، وَ لَمْ تُبَدِّسْ اَتْرَافَهَا، لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَابِي مِنْ

زشتی هایم را نزد همسایگانی که به دنبال عیوب من هستند، و حسودانی که

جِيرَتِي، وَ حَسَدَةَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي، ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي

نعمت‌هایت را نزد من می‌بینند، آشکار نکردی. سپس این همه الطاف و عنایات

ذٰلِكَ عَن اَنْ جَرَيْتُ اِلَى سُوءٍ مَا عَهَدْتَ مِنِّي،

نسبت به من، مرا از گرایش به بدی‌هایی که از من سراغ داری باز نداشت.

﴿۱۳﴾ فَمَنْ اَجْهَلُ مِنِّي - يَا اِلٰهِي - بَرُّشِدِهِ؟! وَمَنْ

(۱۳) ای خدای من! نادان‌تر از من به صلاح کار خود کیست؟

اَغْفَلُ مِنِّي عَنِ حَظِّهِ؟! وَمَنْ اَبْعَدُ مِنِّي

و غافل‌تر از من به نصیب و بهره‌اش کدام انسان است؟ و چه

مِنْ اِسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ؟ حَيْنَ اُنْفِقُ مَا اَجْرَيْتَ

کسی از اصلاح وجودش، دور افتاده‌تر از من است، آنگاه که تمام





عَلَىٰ مِنْ رِزْقِكَ، فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؟!؛

نعمت‌هایی که به من می‌دهی، در گناهانی که مرا از آن نهی فرمودی

وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ، وَأَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَىٰ

صرف می‌کنم؟! و چه کسی بیش از من در غرقاب باطل فرو رفته

السُّوءِ مِنِّي، حِينَ أَقْبُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ

و سخت‌تر از من اقدام به زشتی کرده، زمانی که میان دعوت تو،

الشَّيْطَانِ، فَاتَّبَعُ دَعْوَتَهُ عَلَيَّ غَيْرَ عَمَىٰ مِنِّي

و دعوت شیطان می‌ایستم، ولی از دعوت او پیروی می‌کنم،

فِي مَعْرِفَةٍ بِهِ، وَلَا نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ؟! ﴿۱۴﴾

با این که او را، به صورتی که باید می‌شناسم، و نسبت به وضع او فراموشی

وَأَنَا حِينِيذٍ مَوْقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَىٰ دَعْوَتِكَ إِلَىٰ

ندارم، (۱۴) و من در این موقعیت، یقین دارم که نهایت دعوت تو

الْجَنَّةِ، وَمُنْتَهَىٰ دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ.

به سوی بهشت، و عاقبت دعوت او به جانب جهنم است.

﴿۱۵﴾ سُبْحَانَكَ، مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَيَّ

(۱۵) پاک و منزهی تو؛ چه شگفت است که به زیان خود شهادت می‌دهم،

نَفْسِي! وَأَعِدُّهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِي! وَأَعْجَبُ مِنْ

و امور پنهان خود را شماره می‌کنم، و شگفت‌تر از آن بردباریت نسبت به

ذَلِكَ أَنَا تَكَ عَنِّي، وَإِبْطَاؤُكَ عَن مِعْجَلَتِي!

من، و درنگت از مؤاخذه سریع این بنده گنهکار است. سببش این نیست که



وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ؛ ﴿١٦﴾ بَل تَأْتِيَا

من در آستان حضرتت انسانی گران قدم: (۱۶) بلکه علتش، مدارایت با من

مِنْكَ لِي، وَ تَفْضُلًا مِنْكَ عَلَيَّ، لِأَنَّ أَرْتَدِعَ عَنِ

و تفضل وجود مقدست بر من است، برای این که از نافرمانیت که موجب

مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَةَ، وَ أَقْلِعَ عَنِ سَيِّئَاتِي

خشم توست باز ایستم، و وجودم را از عرصه گناهانی که فرسوده کننده

الْمُخْلِقَةِ، وَ لِأَنَّ عَفْوَكُ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ

هویت و شخصیت من است در آوردم؛ به خاطر این که گذشتت نسبت به

عُقُوبَتِي؛ ﴿١٧﴾ بَل أَنَا- يَا إِلَهِي- أَكْثَرُ ذُنُوبًا،

من نزد تو، از مجازات کردن من محبوب تر است، (۱۷) و گرنه ای خدای من،

وَ أَقْبَحُ آثَارًا، وَ أَشْنَعُ أَعْمَالًا، وَ أَشَدُّ فِي

گناهانم فراوان تر و آثارم زشت تر و کردارم ناپسندتر و گستاخیم در

الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا، وَ أضعِفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ

باطل شدیدتر، و بیداریم نزد طاعتت ضعیف تر،

تَيْقُظًا، وَ أَقَلُّ لَوْعِيدِكَ انْتِبَاهًا وَ ارْتِقَابًا، مِنْ

و هشیاری و مراقبتم در برابر تهدیدت، ناچیزتر از آن است که

أَنْ أَحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي.

بتوانم عیوبم را برایت شماره کنم، یا توان ذکر کردن گناهانم را داشته باشم.

﴿١٨﴾ وَ إِنَّمَا أُوْبِّخُ بِهَذَا نَفْسِي، طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ

(۱۸) جز این است که خود را به این صورت نکوهش می کنم، در حالی



الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ، وَرَجَاءُ لِرَحْمَتِكَ  
که به مهربانی بیش از اندازه‌ات که صلاح کار گناهکاران به آن است، چشم  
الَّتِي بِهَا فَكَاكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ.

طمع دارم، و به رحمتت که آزادی خطاکاران، در گروی آن است امیدوارم.

(۱۹) اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ؛

(۱۹) خدایا! این وجود من است که گناهان او را به بند بردگی کشیده؛

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ،

پس بر محمد و آلش درود فرست، و وجودم را به عفو تو از بند بردگی

وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا؛ فَصَلِّ عَلَيَّ

گناهان آزاد کن، و این پشت من است که خطاها آن را گران و سنگین

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ.

کرده؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و به احسانت آن را سبک فرما

(۲۰) يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ

(۲۰) ای خدای من! اگر به درگاهت گریه کنم تا جایی که پلک‌های دو

عَيْنِي، وَانْتَحَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي، وَقُمْتُ لَكَ

چشمم روی هم افتد، و چنان به شدت ناله زنم تا صدایم قطع شود، و

حَتَّى تَتَنَشَّرَ قَدَمَايَ، وَرَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ

چندان به پیشگاهت بایستم که پایم ورم کند، و آن مقدار برای تو رکوع

صُلْبِي، وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَايَ،

کنم که استخوان‌های پشتم از جا کنده شده و زدوده گردد، و به اندازه‌ای



وَأَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طَوَّلَ عُمُرِي، وَشَرِبْتُ

سجده کنم که چشم‌هایم از کاسه درآید، و در طول عمرم خاک زمین را

مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي، وَذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ

بخورم، و تا پایان حیاتم آب آلوده به خاکستر بنوشم، و در اثنای

ذَلِكَ، حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى

این اوضاع و احوال، چندان ذکر تو گویم که زبانم از کار بماند،

أَفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ، مَا اسْتَوْجَبْتُ

آنگاه از روی شرمساری از تو، چشم به آفاق آسمان باز نکنم،

بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي؛ ﴿۳۱﴾

با این همه سزاوار محو یک گناه از تمام گناهانم نیستم. (۲۱)

وَإِنْ كُنْتُ تَغْفِرُ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ،

و اگر زمانی که سزاوار آمرزش شوم، مرا بیامرزی، و هنگامی که مستحق

وَتَغْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ

عفو تو گردم، مرا عفو کنی؛ همانا این آمرزش و عفو، به خاطر

غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقٍ، وَلَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ

استحقاق من نسبت به من واجب نیست، و من مستحق وجوب آمرزش

بِاسْتِحْبَابٍ، إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ، فِي أَوَّلِ مَا

و عفو نیستم؛ زیرا پاداش من از جانب تو، در اولین باری که مرتکب

عَصَيْتُكَ النَّارَ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي.

معصیتت شدم آتش بود، بنابراین اگر مرا عذاب کنی، ستمکار بر من نیستی.



﴿۲۲﴾ اِلٰهِي فَاِذْ قَدْ تَغَمَّدَتْنِي بِسِتْرِكَ

(۲۲) خدای من! اکنون که مرا به پرده پوشیت در پوشیده‌ای

فَلَمْ تَفْضَحْنِي، وَتَأْنَيْتَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي،

و رسوایم نکردی، و به کرمت با من مدارا کرده، و به کیفرم شتاب نورزیدی

وَ حَلَمْتَ عَنِّي بِتَفْضُلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ،

و به احسانت از من گذشتی و نعمتت را نسبت به من تغییر ندادی

وَ لَمْ تُكْذِرْ مَعْرُوفَكَ عِنْدِي، فَارْحَمْ طَوْلَ

و نزد من نیکی و خوویت را تیره و تار نکردی، پس بر طول

تَضْرُعِي، وَ شِدَّةَ مَسْكَنتِي، وَ سَوْءَ مَوْقِفِي.

زاریم، و سختی بیچارگیم و بدی جایگاهم رحمت آر.

﴿۲۳﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ قِنِيْ مِنْ

(۲۳) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و مرا از

الْمَعَاصِي، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ، وَ ارْزُقْنِي

گناهان حفظ کن، و به طاعت و فرمانبرداری از خود به کار گیر،

حُسْنَ الْاِنَابَةِ، وَ طَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ، وَ اَيِّدْنِي

و نیکی بازگشت را روزیم فرما، و به توبه پاکم کن، و به دوری از گناه،

بِالْعِصْمَةِ، وَ اسْتَصْلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَ اَذِقْنِي

یاریم ده، و به سلامت همه جانبه، زندگیم را اصلاح کن

حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ، وَ اجْعَلْنِي طَلِيْقَ عَفْوِكَ،

و شیرینی آمرزش را به من بچشان، و مرا رها شده عفو



وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ، وَاکْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ،

و آزاد شده رحمت قرار ده و از خشم خود خط امانم بده،

وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ،

و هم اکنون نه در آینده، به مؤده آن خوشحالم فرما،

بُشْرَى أَعْرِفُهَا، وَعَرَّفْنِي فِيهِ عِلَامَةً أَتَّبِيْنَهَا؛

مؤده ای که آن را بشناسم، و به نشانه‌ای که، آن را آشکارا بینم،

﴿٢٤﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ،

(٢٤) آگاهم کن که این کار در عرصه‌گاه سعه رحمتت، بر تو دشوار نیست،

وَلَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ، وَلَا يَتَّصَعَّدُكَ

و تو را در میدان قدرتت به مشقت نمی‌اندازد، و در حوزه بردباریت، تو

فِي أَنْاتِكَ، وَلَا يُوْودُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ، الَّتِي

را دچار سختی نمی‌کند، و در فضای بخشش‌های فراوانت که آیاتت بر آنها

دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ؛ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ

گواه است، تو را در فشار و تنگنا قرار نمی‌دهد. همانا هر چه بخواهی انجام

مَا تُرِيدُ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

می‌دهی و هر چه را اراده فرمایی حکم می‌کنی، مسلماً بر هر کاری توانایی.



﴿ ۱۷ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ،

دعای امام سجاد علیه السلام به هنگامی که از شیطان یاد می‌شد،

فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ، وَمِنْ عَدَاوَتِهِ وَكَيِّدِهِ

و از دشمنی و مکر او به خدا پناه می‌برد

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ

(۱) خدایا! به تو پناه می‌برم از فتنه‌انگیزی‌های شیطان

الرَّجِيمِ، وَكَيِّدِهِ وَمَكَايِدِهِ، وَمِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ

رانده شده، و از نیرنگ و مکرهایش، و از اطمینان به دروغ‌ها

وَمَوَاعِيدِهِ، وَغُرُورِهِ وَمَصَائِدِهِ، وَأَنْ يُطْمَعَ

و وعده‌ها و فریب‌کاری و دام‌هایش، و این که خود را در

نَفْسِهِ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَامْتِهَانِنَا

گمراه کردن ما از راه بندگی، و خوار کردنمان بر اثر معصیت، به طمع اندازه

بِمَعَصِيَتِكَ، أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَّنَ

یا نزد ما نیکو شود زشتی‌هایی که او در نظر ما نیکو جلوه می‌دهد، یا گران

لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرِهَهُ الْإِنْسَانُ.

و سخت شود، خوبی‌هایی که او در نظر ما زشت نشان می‌دهد.

﴿ ۲ ﴾ اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ، وَآكِبْتَهُ بِدُؤْبِنَا

(۲) خدایا! به عبادت و بندگی ما، او را از عرصه‌گاه زندگیمان دور کن و به



فِي مَحَبَّتِكَ، وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْرًا  
سبب جدیت و تلاشمان در راه محبت، او را ذلیل و خوار گردان، و بین ما و  
لَا يَهْتِكُهُ، وَرَدَمًا مُصِمًّا لَا يَفْتُقُهُ.

او پرده‌ای قرار ده که آن را ندرد، و حجابی ضخیم برقرار کن که آن را نشکافد.

(۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْهُ

(۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و شیطان را با سرگرم شدن به

عَنَّا بَعْضِ أَعْدَائِكَ، وَاعْصِمْنَا مِنْهُ بِحَسَنِ

برخی دشمنانت از ما منصرف کن و ما را به رعایت نیکویت از او حفظ

رِعَايَتِكَ، وَاكْفِنَا خَيْرَهُ، وَوَلِّنا ظَهْرَهُ،

فرما، و از خیانت و نیرنگش کفایت کن و رویش را از ما برگردان، و ردّ پایش

وَاقْطَعْ عَنَّا اثرَهُ.

را از ما قطع کن.

(۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتِعْنَا مِنْ

(۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از هدایتی که در دوام

الهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَزَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَى،

و پابرجایی مانند گمراهی او باشد، بهره‌مند ساز، و ما را در برابر بی‌راهی

ضِدِّ غَوَايَتِهِ، وَاسْأَلْ بِنَا مِنَ التَّقَى خِلَافَ

او، توشه تقوا کرامت فرما، و خلاف راه هلاکت بار او، ما را به مسیر تقوا

سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى.

رهنمون باش.





﴿۵﴾ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلًا،

(۵) خدایا! برای او در دل‌های ما راه وارد شدن قرار مده، و در شئون زندگی

و لا توطِّنْ لَهُ فِي مَا لَدَيْنَا مَنَزِلًا.

ما برای او جایگاه اقامت فراهم نکن.

﴿۶﴾ اللَّهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ،

(۶) خدایا! ما را به آنچه که از باطل در نظرمان بیاراید، آگاه ساز، و چون

وَإِذَا عَرَّفْتَنَاهُ فِقْنَاهُ، وَبَصِّرْنَا مَا نُكَايِدُهُ بِهِ،

آگاهمان کردی، از آن نگاهمان دار و ما را به زمینه‌های چاره‌جویی در برابر

وَالْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ، وَآيِقْظُنَا عَنْ سِنَةِ الْغَفْلَةِ

او بینا گردان، و آنچه را که باید علیه او آماده کنیم، به ما الهام کن، و ما را

بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ، وَأَحْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنًا عَلَيْهِ.

از خواب غفلتی که سبب گرایش به اوست بیدار فرما، و یاری دادن ما را

﴿۷﴾ اللَّهُمَّ وَأَشْرِبْ قُلُوبَنَا انْكَارَ عَمَلِهِ، وَالطَّفْ

در جنگ با او، به توفیقت نیکوگردان. (۷) خدایا! دل‌های ما را از رد کردن

لَنَا فِي نَقْضِ حِيلِهِ.

و انکار عملش سرشار ساز، و به ما برای درهم شکستن حيله‌اش لطف فرما.

﴿۸﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَوَّلْ

(۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و سلطه و تسلط شیطان را از ما

سُلْطَانَهُ عَنَّا، وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَادْرَأَهُ عَنِ

بگردان، و امیدش را از ما قطع کن، و او را از حرص ورزیدن به گمراهی



## الْوُلُوعُ بِنَا.

ما دفع فرما.

﴿۹﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست،

آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا، وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهْلِيْنَا، وَ ذَوِي

و پدران و مادران و فرزندان و اهل ما

أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا، وَ جِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و خویشان و نزدیکان و همسایگانم از مردان مؤمن،

وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ، فِي حِرْزِ حَارِزٍ، وَ حِصْنِ

و زنان مؤمنه را از وجود خطرناکی چون شیطان در جایگاهی محکم، و دژی

حَافِظٍ، وَ كَهْفٍ مَانِعٍ، وَ أَلْبَسَهُمْ مِنْهُ جُنَّةً

حفظ کننده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده و آنان را برای دفع زیان او،

وَاقِيَةً، وَ أَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً.

زره‌های نگاه دارنده بپوشان و اسلحه‌های برنده بر ضد او عطا کن.

﴿۱۰﴾ اللَّهُمَّ وَ أَعْمُ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ،

(۱۰) خدایا! مشمول این دعا قرار ده کسی را که به پروردگاریت گواهی

وَ أَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَ عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ

می‌دهد، و به وحدانیتت اخلاص می‌ورزد، و به حقیقت بندگیت با

الْعُبُودِيَّةِ، وَ اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ

شیطان دشمنی می‌کند، و از تو برای شناخت علوم ربّانی، علیه او یاری



## الْعُلُومُ الرَّبَّانِيَّةِ.

جوید.

﴿۱۱﴾ اللَّهُمَّ احْلِلْ مَا عَقَدَ، وَافْتَقِ مَا رَتَقَ،

(۱۱) خدایا! آنچه را گره زده بگشای، و هر راهی که باز کرده ببند، و هر تدبیری که اندیشیده

وَافْسَخْ مَا دَبَّرَ، وَثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ، وَانْقُضْ مَا أَبْرَمَ.

به هم زن، و از هر کاری که قصد کرده بازش دار، و هر چه را محکم کرده سست کن.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ وَاهِزِمِ جُنْدَهُ، وَابْطِلْ كَيْدَهُ،

(۱۲) خدایا! لشکرش را شکست ده، و نیرنگش را باطل ساز، و پناهگاهش را

وَاهِدِمِ كَهْفَهُ، وَارْغِمِ أَنْفَهُ.

ویران کن، و بینی‌اش را به خاک مال.

﴿۱۳﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَاعْزِلْنَا

(۱۳) خدایا! ما را در سلك دشمنانش قرار ده، و از شمار دوستانش برکنار

عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا نَطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا،

کن تا چون ما را بفریبد از او پیروی نکنیم، و هر گاه ما را بخواند، جوابش

وَلَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا، نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ

ندهیم، و هر که را پیروی دستور ماست به دشمنی با او دستور دهیم.

أَطَاعَ أَمْرَنَا، وَنِعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ، مَنْ اتَّبَعَ زَجْرَنَا.

و هرکه را پیروی نهی ماست، برای بازداشتن از اطاعت او پند دهیم.

﴿۱۴﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ،

(۱۴) خدایا! بر محمد خاتم انبیا



وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ

و سید رسولان، درود فرست و بر اهل پاک

الطَّاهِرِينَ، وَأَعِزَّنَا وَأَهْلِيْنَا، وَإِخْوَانَنَا،

و پاکیزه او، و ما و اهل ما و برادران ما

وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، مِمَّا اسْتَعَضْنَا

و تمام مؤمنان و مؤمنات را از آنچه از آن پناه می‌جوییم پناه ده،

مِنْهُ، وَأَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ، ﴿۱۵﴾

و از آنچه از بیم آن، از تو ایمنی می‌خواهیم امان بخش، (۱۵)

وَاسْمِعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ، وَاعْطِنَا مَا أَغْفَلْنَا،

و دعای ما را نسبت به آنچه دعا می‌کنیم بشنو، و آنچه را از درخواستش غفلت می‌کنیم،

وَاحْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَا، وَصَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي

به ما عطا فرما، و آنچه را فراموش کردیم برای ما حفظ کن، و ما را به سبب آن به

دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ، وَمَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ.

درجات شایستگان و رتبه‌های اهل ایمان انتقال ده. دعاها را مستجاب کن.

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان!





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دُفِعَ عَنْهُ مَا يَحْذَرُ،

دعای امام سجاد علیه السلام به وقتی که خطری از او می‌گذشت،

أَوْ حُجِّلَ لَهُ مَطْلَبُهُ

و یا حاجت او زودتر برآورده می‌شد



﴿۱﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ، وَبِمَا

(۱) خدایا! تو را سپاس بر سرنوشت خوبی که مقدر می‌کنی، و بر بلا و مصیبت

صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ، فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ

که از من می‌گردانی؛ پس بهره‌ام را از رحمتت، در این عافیتی که در زندگی دنیا

رَحْمَتِكَ مَا مَجَّلْتَ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ، فَأَكُونَ قَدْ

به من عنایت کرده‌ای منحصر مکن؛ که در نتیجه به سبب آنچه که دوست

شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ، وَسَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ؛

دارم بدبخت شوم، و دیگری به خاطر آنچه که خوش ندارم، خوشبخت شود،

﴿۲﴾ وَإِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ، أَوْ بُتُّ فِيهِ مِنْ

(۲) و اگر عافیتی که روز را در آن به شب می‌رسانم، یا شب را در آن به روز می‌رسانم،

هَذِهِ الْعَافِيَةِ، بَيْنَ يَدَيَّ، بَلَاءٌ لَا يَنْقَطِعُ، وَوَزِيرٌ

مقدمه بلایی است که قطع نمی‌شود، و پیشاپیش بار سنگینی است که بر طرف

لَا يَرْتَفِعُ، فَقَدِّمْ لِي مَا آخَرْتَ، وَآخِرٌ

نمی‌گردد، پس آنچه را برایم به تأخیر انداخته‌ای، پیش انداز، و آنچه را پیش انداخته‌ای

عَنِّي مَا قَدَّمْتُ، ﴿۳﴾ فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ،

به تأخیر افکن؛ (۳) زیرا چیزی که پایانش فنا و نابودی است، بسیار فراوان به حساب

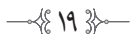
وَغَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

نمی‌آید و آنچه عاقبتش بقا و همیشگی است، اندک و کم نمی‌باشد، و بر محمد و

وَالِهِ.

آتش درود فرست.





## وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْإِسْتِسْقَاءِ بَعْدَ الْجَدْبِ

دعای امام سجاد علیه السلام به وقت طلب باران پس از خشکسالی

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ

(۱) خدایا! برای ما باران فرست، و رحمت را به باران پُر آب و فراوان

بَغِيثِكَ الْمُغْدِقِ، مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَقِ لِنَبَاتِ  
بر ما بگستران؛ از ابری که برای گیاه زیبای زمینت، در تمام ناحیه‌ها و

أَرْضِكَ، الْمُونِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ، وَآمِنُ

اطراف سوق داده شده. و بر بندگانت با به بار آمدن و رسیدن

عَلَى عِبَادِكَ بَيْنَاعِ الثَّمَرَةِ، وَأَحْيِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ

میوه منت گذار، و سرزمین‌های مردهات را با شکفتن شکوفه‌ها

الزَّهْرَةِ، ﴿۲﴾ وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ

زنده کن، (۲) و فرشتگان بزرگوار نویسندگان را با فرستادن بارانی سودمند

السَّفْرَةَ، بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غَزْرُهُ، وَاسِعٍ

و پیوسته، از جانب خودت گواه گیر؛ بارانی که فراوانی و انبوهش وسیع، و

دِرْرُهُ، وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ، يُحْيِي بِهِ مَاقَدِمَاتِ،

باریدنش بسیار تند و آمدنش سریع و زود باشد تا به آن باران، هر چه

وَ تَرُدُّ بِهِ مَاقَدِمَاتِ، وَ تُخْرِجُ بِهِ مَاهُوتِ،

از زمین و گیاه مرده است، زنده کنی، و به سبب آن از دست رفته‌ها را



وَتَوْسَعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتْرَاكِمًا،  
 بازگردانی، و آنچه از دل زمین آمدنی است، بیرون آری، و از برکت آن باران،  
 هَنِيئًا مَرِيئًا، طَبَقًا مُجَلَجَلًا، غَيْرَ مِلْثٍ وَدَقَّةٍ،  
 روزی‌ها را وسعت بخشی، از ابری انباشته، لذت بخش، گوارا، فراگیر و غران  
 وَلَا خَلْبَ بَرَقَةٍ.

که بارانش اندک نباشد، و برقش نفریبد.

(۳) اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا، مَرِيعًا مُرَعًا،

(۳) خدایا! برای ما بارانی فریادرس و برطرف کننده قحطی فرست؛ بارانی رویاننده گیاه، و سرسبز

عَرِيضًا وَاسِعًا غَزِيرًا، تَرُدُّ بِهِ التَّهِيضَ، وَتَجْبِرُ  
 کننده دشت و دمن، و بارانی وسیع و فراوان که به وسیله آن گیاه از رشد ایستاده را به عرصه رشد  
 بِهِ الْمَهِيضَ.

و نمو بازگردانی و در سایه آن، مردگی و خشکی زمینی که علف و گیاهش از بین رفته جبران کنی.

(۴) اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الظَّرَابَ،

(۴) خدایا! ما را بارانی فرست که به وسیله آن از تپه‌ها آب سرازیر فرمایی،

وَتَمَلَأْ مِنْهُ الْجِبَابَ، وَتُفَجِّرْ بِهِ الْأَنْهَارَ، وَتُنْبِتُ  
 و چاه‌ها از آن پر کنی، و نهرها را روان سازی، و درختان را برویانی،

بِهِ الْأَشْجَارَ، وَتُرَخِّصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ  
 و قیمت‌ها را در تمام شهرها ارزان کنی، و چهارپایان و مخلوقات

الْأَمْصَارَ، وَتَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَالْخَلْقَ، وَتُكْمِلُ  
 را نشاط و قوت دهی، و روزی‌های پاکیزه را برای ما کامل کنی،





لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَتُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ، وَتُدْرِي

و زراعت را برویانی، و پستان‌ها را پر شیر سازی،

بِهِ الضَّرْعَ، وَتَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا.

و نیرو به نیروی ما بیفزایی.

(۵) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا،

(۵) خدایا! سایه ابر را بر ما باد گرم و زهراگین مساز،

وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا، وَلَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ

و سردی آن را بر ما شوم و نحس مکن، و بارانش را

عَلَيْنَا رُجُومًا، وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أَجَاغًا.

بر ما عذاب قرار مده، و آبش را برای ما تلخ و شور مگردان.

(۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

(۶) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست،

وَارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛

و ما را از برکت آسمان‌ها و زمین روزی بخش؛

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

همانا تو بر هر کاری توانایی.



﴿ ۲۰ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در مکارم اخلاق

وَمَرْضَى الْأَفْعَالِ

و اعمال پسندیده

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بَايَمَانِي

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ایمانم را به

اکمّل الایمان، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ،

کاملترین ایمان رسان و یقینم را برترین یقین قرار ده.

وَانتَه بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى

خداوند! نیتم را به بهترین نیتها و عملم را به

أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ.

بهترین اعمال برسان.

﴿۲﴾ اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِطُفِكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ بِمَا

(۲) خدایا! نیتم را به لطف کامل گردان و یقینم را به رحمتت در

عِنْدَكَ يَقِينِي، وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ

گردونه صحت و سلامت قرار ده و فسادم را به قدرتت اصلاح کن.

مِنِّي. ﴿۳﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

(۳) خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست،



وَ اَكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاِهْتِمَامُ بِهِ، وَ اسْتَعْمَلِنِي

و مرا از آنچه توجه به آن دچار سرگرمی و مشغولیت می کند، کفایت کن، و در امور

بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ، وَ اسْتَفْرِغْ اَيَّامِي فِيمَا

به کار گیر که فردای قیامت در ارتباط با آن از من بازپرسی می کنی، و روزگارم را در اهدافی که

خَلَقْتَنِي لَهُ، وَ اَغْنِنِي وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ؛

مرا به خاطر آن به وجود آوردی مصروف دار. و مرا توانگر کن و روزیت را بر من وسعت ده،

﴿٤﴾ وَ لَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ (بِالْبَطْرِ) وَ اَعِزَّنِي،

(٤) و مرا به چشم داشت نسبت به آنچه در دست این و آن است مبتلا مکن، و

وَ لَا تَبْتَلِنِي بِالْكِبْرِ وَ عِبْدِنِي لَكَ، وَ لَا تُفْسِدْ

ارجمندم ساز. و مرا به سرکشی و گردن کشی، گرفتار مساز، و بر مدار بندگیت قرار

عِبَادَتِي بِالْعَجَبِ، وَ اجْرِلْ لِلنَّاسِ عَلَيَّ يَدِي الْخَيْرِ،

ده، و عبادتم را به خودپسندی تباه مکن، و خیر و نیکی را به دست من برای تمام

وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ؛ وَ هَبْ لِي مَعَالِي الْاِخْلَاقِ،

مردم جاری ساز و آن را با آلوده شدن به منت نابود مکن، و اخلاق شریفه و بلند

وَ اعِصْمِنِي مِنَ الْفَخْرِ.

مرتبه به من ببخش و از فخرفروشی نگاهم دار.

﴿٥﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ لَا تَرْفَعْنِي

(٥) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا درجه و مرتبه ای

فِي النَّاسِ دَرَجَةً، اِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي

نزد مردم بلند مکن، مگر آن که به همان اندازه نزد خودم پست



مِثْلَهَا، وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا، إِلَّا أَحَدَثْتَ  
گردانی، و عزت آشکاری برابم ایجاد مکن، مگر آن که به همان اندازه،  
لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا.

خواری باطنی برابم ایجاد کنی.

﴿٦﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَتَّعْنِي

(٦) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا به هدایتی شایسته

بِهَدْيٍ صَالِحٍ لَا أَسْتَبِدُّ بِهِ، وَطَرِيقَةٍ حَقِّ

بهرمند ساز که آن را با روشی دیگر عوض نکنم، و راه حقی نصیب کن که

لَا أَزِيعُ عَنْهَا، وَنِيَّةٍ رُشِدٍ لَا أَشْكُ فِيهَا، وَعَمِّرْ نِي

از آن منحرف نشوم، و نیت استواری به من عنایت کن که در آن شک نورزم.

مَا كَانَ عُمُرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ

و مرا زنده دار، مادامی که عمرم در طاعت تو به کار رود، و هنگامی که

عُمُرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ، قَبْلَ أَنْ

عمرم بخواهد چراگاه شیطان شود، جانم را بستان پیش از آن که دشمنی

يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ.

و نفرتت بر من پیشی گیرد، یا خشمت نسبت به من محکم و استوار شود.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةَ تَعَابٍ مِنِّي إِلَّا

(٧) خدایا! خصلت قابل سرزنشی را در وجود من مگذار، جز این که اصلاحش

أَصْلَحَتْهَا، وَلَا عَابَةً أَوْ نَبَّ بِهَا إِلَّا حَسَنَتْهَا،

کنی، و عیب قابل ملامتی را در عرصه گاه حیاتم رها مکن، جز این که



وَلَا أُكْرِمُهُ فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَتَمَمْتُهَا.

نیکویش گردانی، و کرامتی را در من ناقص مگذار، جز این که کاملش فرمایم.

(۸) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

(۸) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و این خصلت‌هایی

وَ اَبْدَلْنِي مِنْ بَغْضَةِ اَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ،

که می‌شمارم، به نفع من تغییر ده: شدت کینه دشمنان را به محبت،

وَمِنْ حَسَدِ اَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَمِنْ ظَنَّةِ اَهْلِ

و حسد متجاوزان را به مودت، و بدگمانی و تهمت اهل صلاح را

الصَّلَاحِ الثَّقَّةَ، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْاَدْنِيْنَ الْوَلَايَةَ،

به اطمینان، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و مخالفت

وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْاَرْحَامِ الْمَبْرَّةَ، وَمِنْ

خویشان را به خوش رفتاری، و تنها و بیار گذاشت

خِذْلَانِ الْاَقْرَبِيْنَ النَّصْرَةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِيْنَ

نزدیکان را به یاری، و دوستی فریبکاران را به درست شدن

تَصْحِيحِ الْمَقَّةِ، وَمِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِيْنَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ،

دوستی، و رد کردن همنشینان را به رفتاری کریمانه،

وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِيْنَ حَلَاوَةِ الْاَمْنَةِ.

و تلخی ترس از ستمکاران را به شیرینی امنیت.

(۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا بر کسی که به من ستم می‌کند غالب



لِي يَدَا عَلِيٍّ مَن ظَلَمَنِي ، وَ لِسَانًا عَلِيٍّ مَن

و چیره، و بر ضد کسی که با من به مجادله برمی‌خیزد زبان گویند، و بر کسی که با من

خاصم می‌ورزد، پیروز قرار ده، و علیه کسی که نیرنگم می‌زند، چاره جویی بخش، و

دشمنی می‌ورزد، پیروز قرار ده، و علیه کسی که نیرنگم می‌زند، چاره جویی بخش، و

مَكْرًا عَلِيٍّ مَن كَايَدَنِي ، وَ قُدْرَةً عَلِيٍّ مَن

در برابر کسی که به من ستم می‌کند قدرت عنایت فرما، و علیه کسی که به من دشنام

اضطهَدَنِي ، وَ تَكْذِيبًا لِمَن قَصَبَنِي ، وَ سَلَامَةً

می‌دهد و غیبت می‌کند، توان تکذیب مرحمت فرما، و از دست کسی که مرا تهدید

مِمَّن تَوَعَّدَنِي ؛ وَ وَفَّقَنِي لِبَطَاعَةِ مَن سَدَّدَنِي ،

می‌کند به سلامت دار، و از آن که مرا به راه صواب می‌برد، توفیق فرمانبری ده، و از آن

وَمُتَابَعَةِ مَن أَرْشَدَنِي .

که مرا به راه راست هدایت می‌کند، توفیق پیروی عنایت کن.

﴿۱۰﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ سَدِّدَنِي

(۱۰) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به این اموری که از تو می‌خواهم پایدار و

لِأَنَّ أَعَارِضَ مَن غَشَّيَنِي بِالنُّصْحِ ، وَ أَجْزَى مَن

استوار دار؛ ایستادن در برابر کسی که به من خیانت کرده با سلاح نصیحت، پاداش دادن به

هَجَرَنِي بِالْبِرِّ ، وَ أَثِيبَ مَن حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ ،

کسی که از من دوری جسته با نیکی، جزا دادن به کسی که مرا از عطایش محروم ساخته،

وَ أَكْفَأِي مَن قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ ، وَ أَخَالَفَ

با بخشش، تلافی کردن نسبت به کسی که با من قطع رابطه کرده، باصله و پیوند، مخالفت



مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ أَنْ أَشْكُرَ

ورزیدن با کسی که از من غیبت کرده، با نیکو یاد کردن از او، به جا آوردن سپاس،

الْحَسَنَةَ، وَأَغْضَى عَنِ السَّيِّئَةِ.

در برابر خوبی و چشم پوشی از بدی.

﴿۱۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّئِي

(۱۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا

بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ: فِي

به زیور شایستگان بیارای، و زینت پرهیزکاران را به من بپوشان که زیور و زینت

بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ، وَاطْفَاءِ النَّارِ،

شایستگان و پرهیزکاران در این امور است: گسترش عدالت، فروخوردن خشم،

وَضَمِّ أَهْلِ الْفِرْقَةِ، وَاصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ،

خاموش کردن آتش فتنه، جمع کردن پراکنده شدگان، اصلاح بین مردم،

وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَسِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَلِينِ الْعَرِيكَةِ،

آشکار کردن کارهای خوب مردم، پوشاندن عیوب انسانها، نرم خوئی،

وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَسُكُونِ

فروتنی، خوش رفتاری، آرامش،

الرَّيْحِ، وَطَيْبِ الْمُخَالَقَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى

وقار، خوش اخلاقی، پیشی گرفتن به سوی

الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ التَّفْضِيلِ، وَتَرْكِ التَّعْيِيرِ،

فضیلت، انتخاب نیکو و احسان، ترک سرزنش،



وَ الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ ، وَ الْقَوْلِ

خوبی کردن به غیر مستحق، حق گویی، گرچه سنگین باشد،

بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ ، وَ اسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرُ

اندک دانستن گفتار و کردار خوبم، هر چند زیاد باشد و

مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي ، وَ اسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ

زیاد شمردن گفتار و رفتار بدم،

قَوْلِي وَ فِعْلِي ؛ ﴿ ۱۲ ﴾ وَ أَكْمِلِ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ

هر چند اندک باشد، (۱۲) و همه این امور را به دوام

الطَّاعَةِ ، وَ لُزُومِ الْجَمَاعَةِ ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ ،

اطاعت از حضرتت، و همراهی با مسلمانان، و دست برداشتن از اهل بدعت،

وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ .

و آنان که رأی ساختگی در دین را به کار می‌گیرند، کامل کن.

﴿ ۱۳ ﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اجْعَلْ

(۱۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و فراخ‌ترین روزی را، هنگامی

أَوْ سَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ ، وَ أَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ

که پیر شدم برابم قرار ده، و نیرومندترین نیرویت را، زمانی که خسته و

إِذَا نَصَبْتُ ؛ وَ لَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ ،

درمانده شدم نصیبم فرما، و مرا به سستی و کسالت از بندگی مبتلا نکن،

وَ لَا الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ ، وَ لَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ

و نه به نابینایی از شناخت راهت، و نه به دچار شدن خلاف دوستیت، و نه





مَحَبَّتِكَ، وَلَا مُجَامَعَةَ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ، وَلَا مُفَارَقَةَ

به همراهی کردن با کسی که از تو جدا شده، و نه به جدا شدن از کسی که

مِنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ.

با تو همراه گشته.

﴿١٤﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولَ بَيْتِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ،

(۱۴) خدایا! چنانم قرار ده که هنگام ضرورت با کمک حضرتت به دشمنان حمله

وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ

کنم، و به هنگام نیاز از تو بخوام، و زمان درماندگی و مسکنت، به درگاه تو

عِنْدَ الْمَسْكِنَةِ؛ وَلَا تَفْتِنَنِي بِالْإِسْتِعَانَةِ

بنام. خدایا! مرا به این امور امتحان مکن: کمک خواستن از غیر خودت، هنگامی

بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ

که مضطر شوم. به خاکساری و فروتنی در برابر ما سواى وجودت، زمانی که به

غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَلَا بِالْتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ

تهی دستی گرفتار آیم. به زاری کردن به درگاه غیر حضرتت، وقتی که دچار ترس

دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَاسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ،

شوم، تا به خاطر این امور مستحق خواری و منع نعمت و روی گردانی و بی‌اعتنایی

وَمَنْعِكَ وَإِعْرَاضِكَ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

از جانب تو گردم. ای مهربان‌ترین مهربانان!

﴿١٥﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانَ فِي

(۱۵) آنچه شیطان از آرزوی باطل



رُوعِي، مِنْ التَّمَنِّيِّ وَالتَّظَنِّيِّ وَالْحَسَدِ، ذِكْرًا  
و بدگمانی و حسد در دل من می‌اندازد، همه را یاد  
لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَدْبِيرًا  
بزرگیت و اندیشه در قدرتت، و تصمیم و طرح  
عَلَى عَدُوِّكَ، وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ  
علیه دشمنت قرار ده، و آنچه بر زبانه جاری می‌کند، از  
فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ، أَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ،  
فحش و بدگویی یا ناسزا به ناموس مردم، یا شهادت باطل،  
أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ، أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ،  
یا غیبت مؤمن غایبی، یا دشنام به حاضری  
وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ، نَطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَإِعْرَاقًا  
و آنچه شبیه اینهاست، همه را سخن به حمد و سپاست و مبالغه  
فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ،  
در ثنایت، و فرو رفتن در تعظیمت  
وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَاعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ  
و شکر نعمتت و اقرار به احسانت و شمردن  
وَإِحْصَاءَ لِمَنِّكَ.

نعمت‌هایت قرار ده.

﴿١٦﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أُظْلَمَنَّ

(۱۶) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و بر من ستم نشود،



وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَلَا أَظْلِمَنَّ وَأَنْتَ

در حالی که به دفعش از من توانایی، و بر دیگری ستم نکنم، در حالی که بر

الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَلَا أَضِلَّنَّ وَقَدْ

نگاه داشتنش از من قادری، و گمراه نشوم در حالی که بر

أَمْكَنتَكَ هِدَايَتِي، وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ

هدایت من نیرومندی، و تهی دست نشوم، در حالی که فراخی روزی من نزد

وُسْعِي، وَلَا أَطْغِينَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَجْدِي.

توست، و طغیان نکنم، در حالی که توانگری من از جانب توست.

(۱۷) اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ، وَ إِلَى

(۱۷) خدایا! به سوی آمرزش آمدم، و به جانب

عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَ إِلَى تَجَاوُزِكَ اشْتَقْتُ،

بخشش روی کردم، و به گذشت مشتاقم،

وَ بِفَضْلِكَ وَثِقْتُ، وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوْجِبُ لِي

و به احسانت اعتماد کردم. چیزی نزد من نیست که به خاطر آن سزاوار

مَغْفِرَتِكَ، وَ لَافِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ،

بخشش شوم، و پس از این که علیه خود داوری کردم،

وَ مَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ؛

به این نتیجه رسیدم که چیزی جز احسانت برایم نیست؛

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ.

پس بر محمد و آلش درود فرست و به من احسان کن.



﴿۱۸﴾ اَللّٰهُمَّ وَاَنْطِقْنِيْ بِالْهُدٰى، وَ اَلْهَمْنِيْ

(۱۸) خدایا! به هدایت، گویایم کن و تقوا را به

التَّقْوٰى، وَ وَقِّفْنِيْ لِلتِّيْ هِيَ اَزْكٰى، وَ اسْتَعْمِلْنِيْ

من الهام فرما، و به پاکیزه‌ترین روش توفیقم ده، و به اموری

بِمَا هُوَ اَرْضٰى.

که پسندیده‌تر است به کارم گیر.

﴿۱۹﴾ اَللّٰهُمَّ اسْأَلُكَ بِبِ الطَّرِيْقَةِ الْمُثَلٰى،

(۱۹) خدایا! مرا به بهترین راه بر، و مرا بر آیینت قرار ده که بر اساس آن

وَ اجْعَلْنِيْ عَلٰى مِلَّتِكَ اَمُوْتٌ وَ اَحْيَا.

بمیرم و بر مبنای آن زنده باشم.

﴿۲۰﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ، وَ مَتِّعْنِيْ

(۲۰) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و مرا در تمام امور زندگی از

بِالْاِقْتِصَادِ، وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَهْلِ السَّدَادِ، وَ مِنْ

میانه‌روی بهره‌مند کن، و اهل صواب و درستی، و از زمره راهنمایان به

اَدَلَّةِ الرَّشَادِ، وَ مِنْ صٰلِحِ الْعِبَادِ، وَ ارْزُقْنِيْ فَوْزَ

خیر، و از بندگان شایسته‌ات قرار ده، و رستگاری روز قیامت و سلامت از

الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمَرْصَادِ.

کمی‌نگاه عذاب را روزیم فرما.

﴿۲۱﴾ اَللّٰهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِيْ مَا يُخْلِصُهَا،

(۲۱) خدایا! از نفس من آنچه که او را رهایی و نجات می‌دهد، برای خود دریافت کن



وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي  
و برای نفس من از نفس من آنچه که او را اصلاح می کند باقی گذار. همانا نفس من در  
هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا.

معرض هلاکت است؛ مگر این که تو حفظش کنی.

(۲۲) اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ، وَأَنْتَ

(۲۲) خدایا! اگر اندوهگین شوم، تو ذخیره و مایه دل خوشی منی، و اگر از هر دری

مُنْتَجِعِي إِنْ حُرِمْتُ، وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ،

محروم کنند، تو محل رفت و آمد منی، و اگر در فشار و سختی قرار گیرم، کمک

وَ عِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ، وَ لِمَا فَسَدَ صِلَاحُ،

خواهیم از وجود توست، و آنچه از دستم رود، عوض و بدلش نزد توست، و برای

وَ فِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرُ، فَأَمِنْ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ

هرچه فاسد شود، مایه اصلاح پیش توست، و هر آنچه را ناپسند داری، تغییرش به

بِالْعَافِيَةِ، وَ قَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ، وَ قَبْلَ الضَّلَالِ

دست توست. خدایا! پیش از بلا به عافیت، و قبل از درخواست، به توانگری، و پیش از

بِالرِّشَادِ؛ وَ اكْفِنِي مَوْوَنَةَ مَعْرَةَ الْعِبَادِ، وَ هَبْ

کمراهی، به هدایت بر من منت گذار، و مرا از سختی و دشواری، آزار بندگان کفایت

لِي أَمِنْ يَوْمِ الْمَعَادِ، وَ امْنِحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ.

فرما، و ایمنی روز قیامت را نصیب کن، و ارشاد کردن نیکو و خوب را به من عطا فرما.

(۲۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي

(۲۳) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، شرور را به لطف خود از من دفع



بِلَطْفِكَ، وَ اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ ، وَ اصْلِحْ لِي

کن، و به نعمت مرا پرورش ده، و به بزرگواریت، مرا اصلاح کن، و به احسانت

بِكْرَمِكَ، وَ دَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَ اظْلِمْنِي فِي ذَرَاكَ،

مرا مداوا فرما، و در سایه پناهِت جای ده، و خلعت خشنودیت را بر من

وَ جَلِّ لِي رِضَاكَ ، وَ وَفِّقْنِي إِذَا اشْتَكَّ كَلْت

پوشان، و زمانی که امور بر من مبهم و مشکل شود، به هدایت آمیزترینش،

عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاها، وَ إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ

و هنگامی که اعمال برایم مشتبه شود، به پاکیزه‌ترینش، و چون آیین‌ها دچار

لِأَزْكَاهَا، وَ إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا.

اختلاف شوند، به پسندیده‌ترینش، موفقم دار.

﴿٢٤﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَوَجَّجْنِي

(۲۴) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و تارك وجودم را به تاج کفایت

بِالْكَفَايَةِ، وَ سَمِّنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ، وَ هَبْ لِي

بیاری، و به حسن سرپرستی، بلند مرتبه‌ام گردان، و مرا صدق هدایت بخش،

صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَ لَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ، وَ اْمِنْحْنِي

و به گشایش در امور زندگی آزمایشم مکن، و آرامش نیکو به من عطا فرما، و

حُسْنَ الدَّعَةِ؛ وَ لَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا،

زندگیم را دشوار و سخت قرار مده، و دعایم را به من بر مگردان؛ برگرداندنی

وَ لَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلَى رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا،

تلخ و ناهنجار، همانا من برای تو ضدی در اعتقادم قرار نمی‌دهم، و با تو



وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا.

همانند و شبیهی نمی خوانم.

(۲۵) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنِي

(۲۵) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و مرا از

مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ، وَوَفِّرْ

اسراف بازدار، و روزیم را از تلف شدن نگاه دار، و داراییم را به برکت در

مَلَكَتِي بِالْبَرَكَاتِ فِيهِ، وَاصْبِ بِي سَبِيلَ

آن افزون کن، و مرا برای خیر و نیکی در آنچه از آن مال خرج می کنم، به

الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ.

راه هدایت برسان.

(۲۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي

(۲۶) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و مرا از سختی و دشواری کسب

مَوْوَنَةَ الْاِكْتِسَابِ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ،

و کار کفایت کن و روزیم را از جایی که گمان نمی بریم عنایت فرما، تا در

فَلَا اشْتَغَلَ عَن عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا اِحْتِمَلَ

راه به دست آوردن روزی از بندگیّت باز مانم، و سنگینی وبالهای کسب

اِصْرَتَبَعَاتِ الْمَكْسَبِ.

را به دوش نکشم.

(۲۷) اللَّهُمَّ فَاطِلِبِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا اطْلُبُ،

(۲۷) خدایا! آنچه را می طلبم، به قدرتت برایم فراهم کن، و از آنچه



وَاجِرْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا ارْهَبُ.

می ترسم، به عزتت پناهم ده.

﴿۲۸﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنِّ

(۲۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و آبرویم را به توانگری حفظ

وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ،

کن، و قدر و منزلتم را به تنگدستی پست مفرما که از روزی خوارانت روزی

فَأَسْتَرْزِقُ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَأَسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ،

بخوام، از بدان و اشراز آفریده هایت عطایی بطبم، تا به سپاسگزاری کسی

فَأَفْتِنِ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، وَأُبْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي،

که عطایم می کند گرفتار شوم، و به سرزنش کسی که از عطا کردن به من

وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ.

باز می ایستد دچار گردم، و حال آن که تو متولی عطا و منعی، نه دیگران.

﴿۲۹﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي

(۲۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و صحت و سلامتی که در عبادت مصرف شود،

صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغًا فِي زَهَادَةٍ وَعِلْمًا فِي

آسایش و فراغتی که در فضای زهد به کارم آید، و دانش و معرفتی که در عمل به

اسْتِعْمَالٍ، وَوَرَعًا فِي إِجْمَالٍ.

کار گرفته شود، و پارسایی و تقوایی که از افراط و تفریط دور باشد، روزی من فرما.

﴿۳۰﴾ اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي، وَحَقِّقْ فِي

(۳۰) خدایا! مدت عمرم را به عفو و بخششت پایان ده، و آرزویم را در امید به





رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي، وَسَهْلٍ إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ

رحمتت تحقق ده، و راههایم را برای رسیدن به خشنودیت هموار ساز، و در

سُبُلِي، وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي.

تمام احوال، کردارم را نیکو گردان.

(۳۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَنَبِّهْنِي

(۳۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا در اوقات

لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ

بی‌خبری برای یادت بیداری ده، و در روزگار مهلت برای

فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا

فرمانبرداریت به کار گیر، و برایم راه آسانی به سوی محبتت باز و هموار کن

سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و به سبب آن، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل ساز.

(۳۲) اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا

(۳۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست؛ مانند برترین

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلِّ

درودی که پیش از او بر یکی از بندگانت فرستادی، و پس

عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي

از او بر یکی از آفریده‌هایت می‌فرستی، و ما را در دنیا

الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

و آخرت خوبی عطا کن، و مرا به رحمتت از شکنجه آتش حفظ فرما.

